

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## طراحی شهری اکولوژیک: فرایند خلق مکان

دنیلو پالاتزو؛ فردریک اشتاینر

ترجمه:

دکتر پارسا پهلوان

استادیار گروه معماری دانشگاه فردوسی مشهد

تارا اصفهانی

سرشناسه:	پالاتسو، دنیلو، ۱۹۶۲-م.
عنوان و نام پدیدآور:	طراحی شهری اکولوژیک: فرایند خلق مکان/ دنیلو پالاتزو، فردریک اشتاینر؛ ترجمه پارسا پهلوان، تارا اصفهانی؛ ویراستار علمی شیرین صباغی آبکوه؛ ویراستار ادبی هانیه اسدیپور فعال مشهد.
مشخصات نشر:	مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری:	۳۰۴ ص: مصور، جدول، نقشه.
فروست:	انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۸۷۹.
شابک:	ISBN: 978-964-386-573-3
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا.
یادداشت:	عنوان اصلی: Urban ecological design : a process for regenerative places, c2011.
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۲۹۱-۳۰۲. نمایه.
موضوع:	برنامه‌ریزی شهری بوم‌شناسی شهری (جامعه‌شناسی) طراحی بوم‌شناختی منظر اشتاینر، فردریک آر، ۱۹۴۹-م. پهلوان، پارسا، ۱۳۶۵- مترجم اصفهانی، تارا، ۱۳۷۷- مترجم صباغی آبکوه، شیرین، ویراستار دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات.
شناسه افزوده:	HT۱۶۶
شناسه افزوده:	۳۰۷/۱۲۱۶
شناسه افزوده:	۹۱۶۴۲۴۱
شناسه افزوده:	
شناسه افزوده:	
شناسه افزوده:	
رده‌بندی کنگره:	
رده‌بندی دیویی:	
شماره کتابشناسی ملی:	

## طراحی شهری اکولوژیک: فرایند خلق مکان

پدیدآورندگان: دنیلو پالاتزو؛ فردریک اشتاینر  
ترجمه: دکتر پارسا پهلوان؛ تارا اصفهانی  
ویراستار علمی: دکتر شیرین صباغی آبکوه  
ویراستار ادبی: هانیه اسدیپور فعال مشهد  
مشخصات: وزیری، ۱۵۰ نسخه، چاپ اول، تابستان ۱۴۰۲  
چاپ و صحافی: چاپخانه دقت  
بها: ۲/۳۰۰/۰۰۰ ریال  
حق چاپ برای انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.

### مراکز پخش:

فروشگاه و نمایشگاه کتاب پردیس: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد، جنب سلف یاس  
تلفن: ۳۸۸۰۲۶۶۶ - ۳۸۸۳۳۷۲۷ (۰۵۱)  
مؤسسه کتابیران: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، بین روانمهر و وحید نظری، بن‌بست  
گشتاسب، پلاک ۸ تلفن: ۶۶۴۸۴۷۱۵ (۰۲۱)  
مؤسسه دانشوران: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) نبش خیابان نظری، شماره ۱۴۲  
تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴ (۰۲۱)

<http://press.um.ac.ir>

Email: [press@um.ac.ir](mailto:press@um.ac.ir)



## فهرست مطالب

۴	سخن مترجمان.....
۵	تقدیر و تشکر.....
۷	پیشگفتار نویسندگان برای فارسی‌زبانان.....
۹	فرایند به‌عنوان یک نسخه بی‌طرف.....
۱۳	فوریت شهری از نظر محیط‌زیست شهری.....
۱۵	پیشگفتار کتاب.....
۲۰	مقدمه.....
۴۱	فصل ۱. فرایند.....
۵۱	فصل ۲. پیش‌نیازها.....
۵۹	فصل ۳. دانش.....
۱۰۳	فصل ۴. ترکیب.....
۱۳۷	فصل ۵. گزینه‌ها.....
۱۷۱	فصل ۶. گفت‌وگو.....
۲۱۳	فصل ۷. طرح جامع.....
۲۲۷	فصل ۸. ارائه.....
۲۴۷	فصل ۹. جزئیات.....
۲۶۳	فصل ۱۰. اجرا.....
۲۷۹	فصل ۱۱. نتیجه‌گیری.....
۲۸۹	پیوست.....
۲۹۱	منابع.....
۳۰۳	نمایه.....

## سخن مترجمان

ترجمه کتاب پیش‌رو از چند جهت برای مخاطب فارسی‌زبان معنادار بود. تجربه تحصیل و نیز آموزش دانشجویان شهرسازی و معماری از ملیت‌های گوناگون به زبان فارسی که عموماً از کشورهای همسایه ایران هستند، اهمیت نگاه اکولوژیک به مقوله طراحی و خلق مکان‌های شهری برای شهرسازان و معماران آینده منطقه را برجسته می‌کرد. طبق مشاهده بازخوردهای وسیع بین‌المللی حین چاپ کتاب به زبان انگلیسی، NOOS یا همان Not Only One Solution «نه تنها یک راه‌حل» به‌عنوان جوهره فرایندی برای مخاطبان خاورمیانه‌ای کتاب به زبان انگلیسی حرف و پیام تازه‌ای داشت. تجربه ترجمه و حضور در کلاس‌های درس دنیلو پالاتزو و بعدها راهنمایی و مشورت وی و فردریک اشتاینر در گفت‌وگوی مجازی با مترجمان این کتاب به زبان فارسی، برای حفظ ماهیت پیام «طراحی شهری اکولوژیک: فرایند خلق مکان» بسیار راهگشا بود.

مقدمه این کتاب مهم زمینه طراحی شهری، در زبان اصلی، با نقل قولی از نظریه پرداز و طراح شهری ایرانی، علی مدنی‌پور، طلیعه‌دار شده است: این مهم که «طراحی شهری» با وجود حضور فراوان در ادبیات آموزشی و تخصصی، هنوز اصطلاحی مبهم محسوب می‌شود. بنابراین، بهره‌مندی مخاطب فارسی‌زبان از این مباحث، ضروری به‌نظر می‌رسید و سال‌ها از احساس نیاز آن گذشته بود. این کتاب پیش‌تر توسط شهرسازان زیادی در دانشگاه‌های مختلف دنیا مطالعه و نیز تدریس شده است. برخی از این افراد، فارسی‌زبانانی بودند که در دانشگاه پلی‌تکنیک میلان ایتالیا و بعدها در دانشگاه سینسیناتی آمریکا دانشجویان دنیلو پالاتزو یا فردریک اشتاینر بوده‌اند. به‌اشتراک‌گذاری تجربیات این افراد با مترجمان این کتاب، برای انتقال بهتر مفاهیم چاره‌ساز بود.

مترجمان و مؤلفان کتاب باور دارند که علاوه بر دانشجویان ایرانی، دانشجویان افغانستانی سهم بسیاری از درک مفاهیم این کتاب خواهند داشت. برابری و عدالت در آموزش و حق فراگیری مفاهیم طراحی شهری به زبان فارسی، هدفی است که ترجمه این کتاب، قدمی کوچک در آن راه می‌نهد.

مترجمان این کتاب، از دنیلو پالاتزو و فردریک اشتاینر، به‌خاطر حمایت و نظریات سودمند برای ترجمه فارسی سپاسگزار هستند. همچنین از ناشر اصلی کتاب، آیلند پرس<sup>1</sup> برای اعطای اجازه معنوی برای برگردان کتاب به فارسی قدردان هستند. از خانم دکتر شیرین صباغی آبکوه برای ویراستاری علمی دقیق و پرزحمت این اثر و همچنین از خانم هانیه اسدپور فعال مشهد برای ویراستاری ادبی سزاوار سپاسگزاریم. این ترجمه به تمامی فارسی‌زبانانی که برای آبادانی ایران و جهان کوشنده هستند، با تمام عشق و احترام تقدیم می‌شود.

دکتر پارسا پهلوان؛ تارا اصفهانی

## تقدیر و تشکر

این دومین نسخه چاپی کتاب است که توسط دنیلو پالاتزو<sup>۱</sup> به زبان ایتالیایی و انگلیسی و دراصل برای مخاطبان اروپایی نوشته شده است. وی از فردریک اشتاینر<sup>۲</sup> درخواست کرد تا با کمک او سررشته‌های طراحی شهری، اکولوژی شهری و برنامه‌ریزی زیست‌محیطی را با هم ترکیب و نسخه‌ای مناسب‌تر از این کتاب را برای خوانندگان آمریکای شمالی تهیه کند. اگرچه این رویکرد بعدها تغییر کرد، اما پالاتزو و اشتاینر همچنان از هر دو نمونه اروپایی و آمریکای شمالی در این کتاب استفاده می‌کنند، هرچند که تأکید آن‌ها بیشتر بر مورد دوم، یعنی آمریکای شمالی، است.

ما از نظریات و پیشنهادهای ارزشمند آنیتا استاوبر احمدی<sup>۳</sup>، رامون بوزی<sup>۴</sup>، آنجلا کولوچی<sup>۵</sup>، باربارا فاگا<sup>۶</sup>، تالیا مک کری<sup>۷</sup>، استیون مور<sup>۸</sup>، سندی روزن بلوم<sup>۹</sup> و مینگ ژانگ<sup>۱۰</sup> کمال تشکر را داریم. در دانشگاه پلی تکنیک میلان و دانشگاه تگزاس در آستین، خانم احمدی، رامون باسی<sup>۱۱</sup>، خانم کولوچی، سارا همرشمیت<sup>۱۲</sup>، کریستین مارسین<sup>۱۳</sup>، پاملا پیترز<sup>۱۴</sup>، مایکل شین<sup>۱۵</sup> و جین فوترل وینسلو<sup>۱۶</sup> ما را در تألیف این کتاب حمایت کردند. هنری ام. راکول<sup>۱۷</sup> در بخش معماری به ما کمک کرد و دانشگاه تگزاس در آستین، از طریق اهدای کمک مالی توسط رئیس دانشگاه، جناب آقای ویلیام سی پاورز<sup>۱۸</sup>، به ما یاری رساند.

دانیل پیرانونزی<sup>۱۹</sup> از مرکز لیدی برد جانسون وایلد فلاور<sup>۲۰</sup> و مدیر تحقیقاتی سابق مرکز وایلد فلاور، استیو ویندهاجر، به طور خاص در زمینه اطلاعات اولیه سایت‌های پایدار به ما کمک کردند. خانم پیرانونزی<sup>۲۱</sup> کمک قابل توجهی در بخش مطالعات موردی‌های پوینت<sup>۲۲</sup> و فراستر پوینت<sup>۲۳</sup> کردند و سالی کمپبل<sup>۲۴</sup> تصاویر Envision Central Texas و متیو داگان<sup>۲۵</sup> و گرگوری کلاکستون<sup>۲۶</sup> نیز تصاویر شهر آستین را تهیه کردند. از

---

1. Danilo Palazzo  
2. Frederick Steiner  
3. Anita Stauber Ahmadi  
4. Ramon Busi  
5. Angela Colucci  
6. Barbara Faga  
7. Talia McCray  
8. Steven Moore  
9. Sandi Rosenbloom  
10. Ming Zhang  
11. Ramon Busi  
12. Sara Hammerschmidt  
13. Christine Marcini  
14. Pamela Peters

15. Michael Shane  
16. Jane Futrell Winslow  
17. Henry M. Rockwell  
18. President William C. Powers  
19. Danielle Pieranunzi  
20. Lady Bird Johnson Wildflower Center  
21. Pieranunzi  
22. High Point  
23. Point Fraser  
24. Sally Campbell  
25. Matthew Dugan  
26. Gregory Claxton

همکاری سوزانا دریک<sup>۱</sup> در تهیه جلد کتاب که محصول مشترک شرکت او، دی لند استودیو<sup>۲</sup> و کمپانی ای آر او<sup>۳</sup> است، نهایت تشکر را داریم.

ما قدردان تلاش‌های آیلند پرس در فرایند نشر هستیم با قدردانی ویژه از سردبیرمان، هدر بویر<sup>۴</sup>. همچنین از اعضای دیگر تیم آیلند پرس شامل کورتنی لیکس<sup>۵</sup>، آنجلا آزبورن<sup>۶</sup> و شریس سیمونیان<sup>۷</sup> قدردانی می‌کنیم. در پایان، اگرچه ممکن است غیرمعمول به نظر برسد، اما دنیلو پالاتزو مایل است از نویسنده دوم این کتاب و دوست خود، فردریک اشتاینر، به دلیل اعتقاد و باور قلبی به این پروژه و به اشتراک گذاشتن دانش خود در عین داشتن اشتیاق فراوان از ابتدای کار تشکر کند.

---

1. Susannah Drake  
2. dlandstudio  
3. ARO  
4. Heather Boyer

5. Courtney Lix  
6. Angela Osborn  
7. Sharis Simonian

## پیشگفتار نویسندگان برای فارسی‌زبانان

### A Process as a Neutral Palimpsest

#### Danilo Palazzo

This book originally published as a pilot version in Italy (Mondadori Università, Milano, 2008), then as an enriched and co-authored publication (Island Press, Washington D.C., 2011), reaches now its publication in Farsi, after the one in Chinese (Yilin Press, Nanjing, 2018).

One reason for this interest, I can fairly say, is because the content of the book is global at its core. A little background might help here to explain. Since the beginning, even before it was translated into a book, the process was intended to provide a map for university students to navigate an urban design studio. It was, in fact, initially adopted in, and adapted for, several studios at the Polytechnic of Milan, for Italian students in the Building Engineering and Architecture program. The five-year degree program was later developed into a Master in Architectural Engineering specifically devoted to International students coming from Asian, Middle-Eastern, European, American, and Oceanian countries, mostly with backgrounds in Architecture and Engineering but also with odd degrees such as Forest Science or Physics. Therefore, the urban design process was tuned to meet the diversity represented by this babel of capacities, expectations, and deep-rooted approaches.

As an urban design studio instructor, I soon realized that the challenge was to find a way to give a sense, an order, and a direction for the students to follow. The aim was not to untangle the multiplicity of languages, beliefs, ideologies, and backgrounds I had in front of my very eyes at the beginning of every academic year. I didn't possess the utter presumption to clearly understand and make perfect sense of the cacophony emerging from the human beings I had in front of me. On the other side, I could not, honestly, teach them the way urban design processes were executed in Italy, or in any other European countries, or in the US as *THE* way to undertake them. Three main factors nurtured those thoughts. First, I refuse any

temptation to believe that one way to transform an urban context is better than another. Second, urban contexts, communities that lived them, and the ways land uses are produced and consumed, pertain to each context and are interwoven with its history and values. Third, most of the students were going to go back to their countries where procedures, attitudes, authorities, hierarchies, powers, stakeholders, and rules are inherently local and intrinsically connected with the culture of each country's history and present-day situation.

Under these premises, the logical solution to be applied in a multicultural context, was to offer a process as a navigator, a neutral palimpsest, where steps are reduced to the bones. One can disagree with such a simplification, arguing that the process proposed here is not infused or ascribed to any planning or design theory about the role of urban designers. Are urban designers an extension of the market forces? Do they serve them? Or do they advocate the importance and relevance of the communities' values and their social and cultural manifestations? Are urban designers simply the expression of a political power or a spiritual ideology? Or, finally, do they believe that their own ideas and interpretation of reality is the only truthful one? You will not find answers to these questions here. Instead, you will find an adaptable route to direct your efforts in a studio setting and later on in the real-world.

In conclusion, I would like to highlight that the process we describe in this book is called *NOOS*. *NOOS* stands for *Not Only One Solution*, to emphasize that the process is not an algorithm, a software that can be applied to a problem to get one and only one solution. On the contrary, the application of the process will bring different solutions since the human, social, cultural, environmental components, and their interpretations by the designer, the multidisciplinary team, the community—their accumulated wisdom, reason, and intelligence—will interject and play the utterly relevant role.



## فرایند به‌عنوان یک نسخه بی طرف

دنیلو پالاترو

این کتاب در اصل به صورت نسخه آزمایشی در ایتالیا منتشر شد (دانشگاه موندادوری، میلان، ۲۰۰۸)، سپس به عنوان نشریه تخصصی و تألیف شده مشترک (Island Press, Washington D.C., 2011)، اکنون پس از چاپ به زبان چینی، به فارسی انتشار می‌یابد (Yilin Press, Nanjing, 2018).

انصافاً می‌توانم بگویم یک دلیل برای علاقه مندی به محتوای کتاب هسته اصلی جهانی آن است. کمی پیش زمینه ممکن است در اینجا به این توضیح کمک کند. از همان ابتدا، حتی قبل از اینکه این کتاب ترجمه شود، فرایند تهیه نقشه راهنما برای دانشجویان، جهت پیمایش در یک استودیوی طراحی شهری در نظر گرفته شده بود. در واقع، در ابتدا در چندین استودیوی پلی تکنیک میلان برای دانشجویان ایتالیایی در برنامه مهندسی ساختمان و معماری به کار گرفته و برای آن‌ها تدقیق شد. این برنامه پنج ساله بعداً به یک دوره کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری تبدیل شد. دوره ای که ویژه دانشجویان بین المللی از آسیا، کشورهای خاورمیانه، اروپا، آمریکا و اقیانوسیه عمدتاً با پیشنهاد معماری و مهندسی، و گاهی سایر علوم مانند علوم جنگل یا فیزیک است. بنابراین، فرایند طراحی شهری متناسب با تنوع ارائه شده توسط این گستره خیالی از ظرفیت‌ها، انتظارات و رویکردهای ریشه دار تنظیم شده است.

به عنوان یک مربی استودیوی طراحی شهری، خیلی زود فهمیدم که چالش، یافتن راهی برای دادن حس، نظم و جهت به دانشجویان برای ادامه مسیر است. هدف من توجه به کثرت زبان‌ها، اعتقادات، ایدئولوژی‌ها و زمینه‌هایی را که در ابتدای هر سال تحصیلی در مقابل چشمانم داشتم، نبود. من درک کاملی برای فهم ناهمگونی انسان‌هایی که روبه‌روی خودم بودند را نداشتم. از طرف دیگر، صادقانه نمی‌توانستم روش اجرای پروژه‌های طراحی در ایتالیا یا سایر کشورهای اروپایی یا ایالات متحده را به عنوان تنها روش انجام آن‌ها آموزش دهم. سه عامل اصلی این افکار را پرورش می‌دهند. اول، هر وسوسه‌ای برای باور اینکه یک راه برای تبدیل بافت شهری بهتر از روش دیگر است را از خود دور می‌کنم. دوم، بافت‌های شهری، جوامعی که در آن‌ها زندگی می‌کردند و روش‌های تولید و مصرف کاربری‌های زمین، مربوط به همان زمینه است و با تاریخ و ارزش‌های آن عجین شده است. سوم، بیشتر دانشجویان به بازگشت به کشورهای خود تمایل داشتند، جایی که رویه‌ها، نگرش‌ها، مقامات، سلسله مراتب، اختیارات، ذی‌نفعان و قوانین ذاتاً محلی هستند و با فرهنگ و تاریخ هر کشور و وضعیت امروز آن ارتباط دارند.

در این شرایط، راه حل منطقی که باید در یک زمینه چندفرهنگی به کار گرفته شود، ارائه فرایندی راهبر و بی طرف بود. فرایندی که در آن، تعداد پله های مراحل در حد امکان کاهش یافته است. شاید بتوان با چنین ساده سازی ای مخالفت کرد و استدلال کرد که فرایند پیشنهادی در اینجا به هیچ نظریه برنامه ریزی یا طراحی در مورد نقش طراحان شهری نسبت داده نمی شود. آیا طراحان شهری نیروی متخصص بازار کار هستند؟ آیا طراحان شهری در خدمت بازار کار هستند؟ یا از اهمیت و ارتباط ارزش های جوامع و جلوه های اجتماعی و فرهنگی بازار کار دفاع می کنند؟ آیا طراحان شهری صرفاً بیانگر یک قدرت سیاسی هستند یا یک ایدئولوژی معنوی؟ یا در نهایت، آیا طراحان شهری معتقدند که تصورات و تفسیر خودشان از واقعیت، تنها حقیقت قطعی است؟ در اینجا پاسخی برای این سوالات نخواهید یافت. در عوض، مسیری سازگار برای هدایت تلاش های خود در محیط آتلیه ای و بعدها در دنیای واقعی پیدا خواهید کرد.

در پایان، می خواهیم تأکید کنیم فرایندی که در این کتاب توصیف می کنیم، NOOS نام دارد. NOOS مخفف عبارت Not Only One Solution است و تأکید می کند که این فرایند الگوریتمی نیست، یا همچون نرم افزاری که می تواند برای یک مشکل به کار رود تا یک و تنها یک راه حل به دست آورد. برعکس، استفاده از فرایند راه حل های مختلفی به همراه خواهد داشت؛ زیرا مؤلفه های انسانی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و تفسیرهای آن ها توسط طراح، تیم چندرشته ای، جامعه - خرد، عقل و هوش انباشته آن ها - تداخل می یابد و نقش کاملاً مرتبطی را بازی می کند.

## The Urgency of Ecologically Grounded Urban Design

Now that we are over two decades into this first urban century, the need to understand and apply ecological knowledge in urban design grows ever more apparent. The recent pandemic illustrates the ecology of our species. We are clearly connected to one another, other species, and our environments. The pandemic also tragically showed how the most vulnerable populations pay the price for poor planning and systemic inequalities.

Climate change presents similar, probably even more dire, global challenges. The people who will suffer first and most are the poor, the disabled, and the elderly. Ecological urban design can help us both adapt to climate change and to mitigate its deleterious consequences. The ecosystem services concept can be helpful in this regard. Healthy ecosystems perform numerous essential functions for human settlements, benefits we too often take for granted. We need to stop squandering ecosystem services and begin to create them. With each urban design project, we need to assess the possible damages and seek opportunities for ecological renewal.

Provisioning ecosystem services are the most fundamental: food, water, raw materials, genetic resources, and energy. In my country, buildings account for around half of the energy consumed with transportation systems consuming another 25 percent. Clearly, the built environment plays a central role in energy use. How do we design buildings and neighborhoods to use less energy and even produce it? Fortunately, we know a lot about energy efficiency and production; we just need to apply it. Likewise, we can design cities to produce food and to preserve prime farmland. We can manage water and raw materials more wisely. We have much to learn about genetic resources in cities, especially as they relate to health care.

Regulating ecosystem services include water and air purification, carbon sequestration, climate regulation, waste decomposition, pest control, pollination, and flood protection. Planting trees, especially native species, through our designs can do much in this regard. Trees clean the water and the air, mitigate microclimate, enhance pollination, and help control stormwater flows. In my country, poorer communities generally have less tree canopies than richer ones. Such places are especially vulnerable to urban heat islands. As the climate warms, the residents of these places are at greater risk for associated health problems. Planting trees can help these communities and provide other essential roles in the regulation of natural systems.

Supporting ecosystem services include nutrient cycling, soil formation, and habitat provision. These are all frontiers for urban design. How might our designs contribute to such services? Too little is known about urban soils. We know many are polluted, especially with lead. As the interface between the abiotic and biotic worlds, soils are essential to our existence. We need to learn to clean them and make new productive soils. Likewise, we can do much more to create safe habitats for other species. We can start by considering the impact of glass surfaces on bird flights. Too many birds are killed when they crash into the glass walls of skyscrapers. This can be fixed through design. Trees and other vegetation can also help. For instance, we know much about the relationships between plants and animals. In North America, we know that milkweed is the host plant for Monarch butterflies, that's where their larva develop. Thus, we should plant more milkweed in our cities.

Cultural ecosystem services have religious, historical, recreational, scientific, and health benefits. Such services fit nicely within the realm of traditional urban design. How do we intervene in places in order to protect and enhance these services? This requires what Patrick Geddes called "constructive and conservation surgery." Opposing sweeping changes, he advocated that designers take into account the existing physical, social, and symbolic landscape of a place — that is its ecology — in order to plan its best future. Such surgery, such design, requires detailed and careful analysis, "diagnosis before treatment," according to Geddes.

We have much work to transform current conditions into preferred ones that are more healthy, productive, and equitable. In doing so, we need to do a much better job in considering the needs to other species. Our future depends on using ecological knowledge wisely.

Frederick Steiner  
Stuart Weitzman School of Design  
University of Pennsylvania  
Philadelphia

## فوریت شهری از نظر محیط‌زیست شهری

اکنون که بیش از دو دهه از این نخستین قرن شهری می‌گذرد، نیاز به درک و به‌کارگیری دانش اکولوژیکی در طراحی شهری بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. همه‌گیری اخیر محیط‌زیست گونه‌های ما را مقابل چشمان ما نمایش می‌دهد. ما به‌وضوح با یکدیگر، گونه‌های دیگر و محیط خود در ارتباط هستیم. این همه‌گیری به‌طرز فجیعی نشان داد که چگونه آسیب‌پذیرترین جمعیت‌های برنامه‌ریزی ضعیف و نابرابری‌های سیستمی را می‌پردازند.

تغییرات آب‌وهوایی چالش‌های جهانی مشابه، حتی شرایط وخیم‌تری را ترسیم می‌کنند. افرادی که در معرض اولین و بیشترین رنج‌ها خواهند بود، فقرا، معلولان و سال‌خوردگان هستند. طراحی شهری اکولوژیکی می‌تواند به ما کمک کند تا با تغییرات آب‌وهوایی سازگار شویم و پیامدهای مضر آن را کاهش دهیم. مفهوم خدمات اکوسیستم می‌تواند در این زمینه مفید باشد. اکوسیستم‌های سالم عملکردهای اساسی بسیاری را برای سکونتگاه‌های انسانی انجام می‌دهند، مزایایی که ما اغلب آن‌ها را مسلم می‌دانیم. باید هدر دادن و آسیب اکوسیستم را متوقف و شروع به احیا آن کنیم. با هر پروژه طراحی شهری، باید خسارات احتمالی را ارزیابی کنیم و به‌دنبال فرصت‌هایی برای تجدید محیط‌زیست باشیم.

مهیا کردن خدمات اکوسیستم اساسی‌ترین اقدام است: تهیه مواد غذایی، آب، مواد اولیه، منابع ژنتیکی و انرژی. در کشور من (ایالات متحده)، ساختمان‌ها مسئول نیمی از انرژی مصرف‌شده هستند؛ همچنین سیستم‌های حمل‌ونقل مصرف ۲۵ درصد دیگر را به خود اختصاص می‌دهند. واضح است که محیط ساخته‌شده نقشی اساسی در مصرف انرژی دارد. چگونه ساختمان‌ها و محله‌ها را طراحی کنیم تا انرژی کمتری مصرف کنند و حتی انرژی را تولید کنیم؟ خوشبختانه، چیزهای زیادی در مورد بهره‌وری و تولید انرژی می‌دانیم. ما فقط باید آن را اعمال کنیم. به‌همین ترتیب، می‌توانیم شهرها را برای تولید غذا و حفظ زمین‌های کشاورزی طراحی کنیم. چیزهای زیادی برای یادگیری در مورد منابع ژنتیکی در شهرها داریم، به‌خصوص که آن‌ها مربوط به مراقبت‌های بهداشتی هستند.

تنظیم‌کننده خدمات اکوسیستم شامل تصفیه آب‌وهوا، کاهش کربن، تنظیم آب‌وهوا، تجزیه زباله، کنترل آفات، گرده‌افشانی و حفاظت از سیل است. کاشت درختان، به‌ویژه گونه‌های بومی، از طریق طرح‌های ما می‌تواند کارهای زیادی در این زمینه انجام دهد. درختان آب‌وهوا را تمیز می‌کنند، مرزبندی خرداقلیم‌ها را کاهش می‌دهند، گرده‌افشانی را افزایش می‌دهند و به کنترل جریان‌های توفان کمک می‌کنند. در کشور من، جوامع فقیرتر به‌طور کلی سهم کمتری از سایبان درختان به نسبت جوامع ثروتمندتر دارند. چنین مکان‌هایی به‌ویژه در معرض آسیب جزایر گرمای شهری قرار دارند. با گرم شدن هوا، ساکنان

این مکان‌ها بیشتر در معرض مشکلات بهداشتی مرتبط هستند. کاشت درخت می‌تواند به این جوامع کمک کند و نقش‌های اساسی دیگری در تنظیم سیستم‌های طبیعی داشته باشد.

خدمات پشتیبانی اکوسیستم شامل بازیافت، تشکیل خاک و تأمین زیستگاه است. این‌ها همه مرزهایی برای طراحی شهری است. چگونه ممکن است طراحی‌های ما به چنین خدماتی کمک کند؟ اطلاعات کمی در مورد خاک‌های شهری در دست است؛ می‌دانیم بسیار آلوده شده‌اند، به‌خصوص با سرب. به‌عنوان رابط بین جهان غیرزنده و زیست، خاک برای وجود ما ضروری است. باید یاد بگیریم که آن‌ها را تمیز و خاک‌های سازنده جدید ایجاد کنیم. به‌همین ترتیب، می‌توانیم کارهای بیشتری برای ایجاد زیستگاه‌های ایمن برای سایر گونه‌ها انجام دهیم. می‌توانیم با در نظر گرفتن تأثیر سطوح شیشه‌ای در پرواز پرندگان شروع کنیم. تعداد زیادی پرنده هنگام برخورد به دیواره‌های شیشه‌ای آسمان‌خراش‌ها کشته می‌شوند. این را می‌توان از طریق طراحی برطرف کرد. درختان و سایر پوشش‌های گیاهی نیز می‌توانند یاری‌رسان باشند. به‌عنوان مثال، در مورد روابط بین گیاهان و حیوانات اطلاعات زیادی داریم. در آمریکای شمالی، می‌دانیم که علف «تره‌شیر» میزبان پروانه‌های مونا رک است، همان جایی که نوزاد حشره آن‌ها رشد می‌کند. بنابراین، ما باید تره‌شیر بیشتری را در شهرهای خود بکاریم.

خدمات اکوسیستم فرهنگی دارای مزایای مذهبی، تاریخی، تفریحی، علمی و بهداشتی است. چنین خدماتی به‌خوبی در حوزه طراحی سنتی شهری قرار می‌گیرند. چگونه می‌توانیم برای محافظت و ارتقای این خدمات در مکان‌ها مداخله کنیم؟ این به آنچه پاتریک گدز «جراحی سازنده و محافظتی» می‌خواند، نیاز دارد. وی در مخالفت با تغییرات گسترده، طرف‌دار این امر بود که طراحی‌ها به جنبه‌های فیزیکی، اجتماعی و نمادین موجود یک مکان که بوم‌شناسی آن است، توجه کنند تا به خلق بهترین آینده ممکن برسند. به‌گفته گدز، چنین جراحی و چنین طرحی به تجزیه و تحلیلی دقیق نیاز دارد: «تشخیص قبل از درمان».

ما کارهای زیادی برای تبدیل شرایط فعلی به شرایط ترجیحی، سالم‌تر، تولید و عادلانه‌تر داریم. با انجام این کار، باید کار بسیار بهتری را در زمینه تأمین نیازهای سایر گونه‌ها انجام دهیم. آینده ما در گرو استفاده خردمندانه از دانش زیست‌محیطی است.

فردریک اشتاینر

مدرسه طراحی استوارت ویتزمن

دانشگاه پنسیلوانیا

فیلادلفیا

## پیشگفتار کتاب

در سال ۱۹۹۸، فرصت همکاری با تیم بااستعداد «انریک میرالز<sup>۱</sup> و بندتا تاگلیابو<sup>۲</sup>» و شرکت طراحی «ای ام بی تی» را که بر روی پروژه پارک «دیاگونال مار<sup>۳</sup> در بارسلونا<sup>۴</sup> کار می کردند، داشتم. «به منظور ارتقای طراحی و جلب رضایت برنامه ریزان شهر بارسلونا، جی وایپر، مشتری ما در هینز از ما خواست تا یک طرح پایداری را تنظیم کنیم که چندان پیچیده نباشد، اما همچنان اولین طرح آماده شده از این دست برای یک پارک عمومی در اسپانیا محسوب شود. ما به متخصصانی در این زمینه نیاز داشتیم. شانس با ما یار بود؛ زیرا دکتر فریتز اشتاینر<sup>۵</sup>، برنده جایزه رم، برای تابستان در اروپا اقامت داشت. ما با کمک هم یک طرح پایداری مختصر برای این پارک تهیه کردیم. در این پروژه بحثی را در زمینه چشم انداز، آب، خاک، منظر محیط مصنوع، علائم و نشانه ها و تفسیر سایت، گنجانیدیم. اساساً، فریتز به ما یاد داد که چگونه و با چه رویکردی وارد طراحی شویم و ما نیز دقیقاً همان طور که او گفت، عمل کردیم.

طرح پایداری مارک دیاگونال مار<sup>۶</sup> به زبان کاتالونیایی ترجمه و به یک الگو و راهنما برای طراحی و ساخت پارک های بیست هکتاری با تمرکز اصلی بر روی «توسعه مجدد زمین های بایر<sup>۷</sup> و سوله های قطار<sup>۸</sup>» تبدیل شد.



پارک دیاگونال مار - بارسلونا؛ طراحی شده توسط شرکت های معماری ای ام بی تی و ای دی ای دبلیو<sup>۹</sup> (اکنون AECOM) (منبع: دیکسی کریلو<sup>۱۰</sup>)

1. Enric Miralles  
2. Benedetta Tagliabue  
3. Parc Diagonal Mar  
4. EMBT  
5. Dr. Fritz

6. Marc Diagonal Mar Sustainability Plan  
7. brownfield  
8. train shed storage lot  
9. EDAW  
10. Dixi Carrillo

بسیار کم‌لطفی است اگر بگویم طرح مفیدی از آب درآمد. اما بعدها همان برنامه‌ریزان شهری، دریاچه طبیعی را به استخری بتونی تبدیل کردند، چشم‌انداز لبه‌ها را از بین بردند و آب را با مواد شیمیایی مخلوط کردند، به طوری که هر چیز بومی از گیاهان آبی یا آبی‌زیان نابود شدند و ما در قالب طرح پایداری دوباره آن‌ها را بازگرداندیم. این طرح به صراحت اعلام کرد که نباید هیچ ماده شیمیایی در زمین، آب یا سایت استفاده شود و این قانون بود. امروز، این پارک و دریاچه آن بسیار پر جنب و جوش و سرزنده و در واقع نمونه‌ای از طراحی پایدار است که برنده جایزه نیز شده است. این صرفاً توصیفی بسیار مختصر از سال‌ها تلاش و مذاکره برای طراحی و ساخت پارک‌های این چنینی است.

این پروژه، مانند بسیاری دیگر از مطالعات موردی این کتاب، نتیجه یک اقدام مثبت یعنی ساخت و ساز همگام با اکولوژی مکان را نشان می‌دهد. این مفهوم، مفهوم تقریباً جدیدی محسوب می‌شود. در طول نیم‌قرن اخیر، تعداد کمی از طراحی‌ها به موضوع پایداری یا اکولوژی توجه کردند و یا از آن اطلاع داشتند. اگرچه توجه به آن در این دوره به عنوان الحاقاتی از هنر یا جنبه‌های طراحی بود که بهتر بود در طرح‌ها دیده شود، اما از ملزومات یک طراحی موفق شمرده نمی‌شد و در واقع ضروری به حساب نمی‌آمد. با نگاهی به پیرامون خود می‌بینید از دهه ۱۹۵۰ تا کنون چقدر منظر مصنوع ساخته‌ایم. ما محیط مصنوع را به یک عنصر عادی تبدیل کرده‌ایم، چمن‌ها را در بیابان‌ها و آب‌نماها را در مناطق مستعد خشک‌سالی قرار داده‌ایم. چنین طرح‌های مصنوعی اکنون در جذب مردم، شکست خورده‌اند و در واقع مضحک تلقی می‌شوند. چه تعدادی از آن چشمه‌ها به کشتزار تبدیل شده‌اند؟ در حالی که تئوری طراحی پایدار وجود داشت و در عمل نیز به صورت تجهیزسازی مکان‌هایی که دیگر از مد افتاده بودند، به کار می‌رفت. ما تصمیم گرفتیم که به سادگی این تجهیزسازی را از سایت یک زمین سبز شروع کنیم. خوشبختانه، این رویکرد در همه جا رخ نداده بود. در میان ساخت و سازهای افراطی، می‌توان موفق‌ترین پروژه‌ها را نیز دید، آن‌هایی که امتحان سخت زمان را نیز پس داده و موفقیتشان در درجه اول به دلیل ترکیب فرایندهای طبیعی بوده است؛ همان‌گونه که ملترگ و اکبو<sup>۱</sup> حمایت خود را نیز از این موضوع نشان داده‌اند. خوشبختانه بناهای تاریخی دست‌نخورده توانسته‌اند از توسعه بیش از حد دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جان سالم به در ببرند. آن مناطقی که توسعه‌دهندگان از بین نبرده‌اند، اکنون نقاطی تاریخی و جذاب در شهرها محسوب می‌شوند. سن فرانسیسکو<sup>۲</sup>، میامی<sup>۳</sup> و شارلوت<sup>۴</sup> چند مورد از این شهرها هستند که ما همیشه از آن‌ها بازدید می‌کنیم.

در گذشته، در طراحی‌هایمان، برای بخش سیستم‌های اکولوژیکی طرح، به جز طراحی یک یا دو حوضچه نگهداری، آن‌هم در صورت نیاز دولت محلی، کار دیگری انجام نمی‌دادیم. اغلب حوضچه‌ها تا انتهای سایت ادامه می‌یافتند و مانند بقایایی از سایت با آن‌ها رفتار می‌شد. چنین حوضچه‌های نگهداری که هنوز هم باقی مانده‌اند، داستانی را بازگو می‌کنند، بدنه‌های تماماً آبی، کوچک و نامناسب از نظر مکانی که به ندرت با طراحی

1. Meltarg and Eckbo  
2. San Francisco

3. Miami  
4. Charlotte



سایت ارتباط برقرار می‌کنند. آنچه که ما در گذشته به آن باتلاق می‌گفتیم و آن را تخلیه و پر می‌کردیم، اکنون به حوض‌های آبخیزِ بارزشی تبدیل شده‌اند که با ملایمت از آن‌ها نگهداری می‌کنیم، حتی به خودمان اجازه نمی‌دهیم که یک درخت یا گیاه در معرض خطر جابه‌جا کنیم. اکنون سیستم رتبه‌بندی لید<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۹۸ تأسیس شد، از بسیاری از سایت‌های اکولوژیکی محافظت می‌کند. به این همان سیستم رتبه‌بندی است که چند سال پیش دقیقاً یک امتیاز ارزشمند را برای حفاظت و مقاوم‌سازی کل یک بنای تاریخی به ما داد و ثابت کرد که هر چیز قدیمی و کهنه‌ای می‌تواند دوباره به‌روز و نو شود. اگر بتوانیم در طرح‌هایمان به حفظ، نگهداری و یا زیباسازی پردازیم، پس چه کاری به‌جز نمایش غرورمان به‌عنوان یک طراح انجام داده‌ایم؟ طراحان بیش از هر چیز می‌خواهند دلیل تراشی کنند. آن‌ها می‌خواهند حرفشان درست باشد. اگر طراحی صرفاً خودمحورانه باشد، خسارتی که به آن‌همه مزارع سبز وارد کرده‌ایم را چگونه توجیه خواهیم کرد؟ اولین بار ده سال پیش این موضوع توجهم را جلب کرد، زمانی که در جلسات مردمی، به‌محض صحبت درمورد پروژه‌ها، مردم طراحان را با صدای بلند و آشکارا تحقیر می‌کنند. هرکسی که تجربه ارائه ایده‌های طراحی به مردم را داشته باشد، می‌داند که چنین شرایطی حتی باطمینان‌ترین مذاکره‌کننده‌ها را مجبور به یافتن یک نظریه برای خروج از باتلاق می‌کند. بارها به‌عنوان طراح، توجیهی از جنس طراحی برای دفاع از طرح خود را نداشتیم. طرجمان خوب به‌نظر می‌رسید، ما فکر می‌کردیم که مناسب سایت است و آن را ترسیم کرده بودیم و سعی در فروش آن داشتیم. ما نمی‌دانستیم که چگونه در بین عناصر خود زمین به‌دنبال دلیل و توجیه باشیم.

پس از ۳۵ سال تجربه و تلاشی که در اواخر زندگی برای گرفتن مقطع دکتری داشتم، متقاعد شدم که یک پیوند محکم و البته حیاتی بین عمل و تئوری وجود دارد. طراحان حلال مشکلات هستند. عمل ما نیازمند ارزیابی مسئله از طریق تجزیه و تحلیل دقیق، ارائه جایگزین‌ها، راه‌حل توافق‌شده و طراحی برای اجراست. نظریه به طراحان ابزارهایی چون فرایند، دانش، تشویق و تسکین را می‌دهد. به‌این معنا که در پس موضوعات طراحی که با آن‌ها روبه‌رو هستیم، عمقی از تفکر وجود دارد و در آن چهارچوب می‌توان ایده و راه‌حل را یافت. نظریه‌ها نشان می‌دهند که چگونه طراحی در طول زمان با فرم‌ها و متریا ل خود، درعین موفقیت‌ها و شکست‌ها، تکامل یافته است. نظریه‌پردازان با تعیین کمیت، صلاحیت، ثبت، سازمان‌دهی و تفسیر نتایج و ایده‌ها، خدمات بی‌نظیری برای طراحان فراهم می‌کنند. موضوعاتی ضروری که متأسفانه بیشتر افراد حرفه‌ای به‌دلیل کمبود وقت و هزینه، تمایلی به انجام آن‌ها ندارند. درحالی که عمل و طراحی، همگام با هم حرکت می‌کنند، اما عمل به تئوری نیاز دارند. این نظریه است که هدف را تعیین و از موضوعاتی که طراحان با آن روبه‌رو می‌شوند، پشتیبانی می‌کند. طراحان با تجربه می‌دانند که طراحی یک فرایند خطی نیست. در فرایند طرح، آن اشتباهی که فکر می‌کنیم ممکن است رخ بدهد، به‌احتمال زیاد رخ خواهد داد. پروژه‌هایی که امروز داریم و در آینده خواهیم داشت، پیچیده‌تر از پروژه‌های ۵۰ سال پیش بوده و بیشتر حول سایت‌های اراضی قهوه‌ای هستند. ما شهرهایمان را بازسازی خواهیم کرد و مجدداً توسعه خواهیم داد، درمورد چشم‌اندازهای نوظهور تحقیق خواهیم کرد، زمین‌هایی را که

روزگاری پرجمعیت بوده و اکنون خالی هستند، به کاربری کشاورزی اختصاص خواهیم داد و کارخانه‌های صنعتی رها شده را به مراکز جدید شهر تبدیل خواهیم کرد. آن سایت‌های سبزی که طراحی شان آسان است، پروژه‌های جدید در فضاهای وسیع و باز که بسیاری از ما سال‌ها روی آن‌ها کار کردیم - و فکر می‌کردیم هرگز پایان نخواهند یافت - تمام شده‌اند. باید این واقعیت جدید را بپذیریم که عمر پروژه‌های آسان به پایان رسیده است و فقط پروژه‌های سخت باقی مانده‌اند. فرقی نمی‌کند اگر این پروژه سخت، یک پارک در بوستون در بیگ‌دیگ<sup>۱</sup> باشد یا پارکی در بارسلونا که در گذشته مملو از ماشین‌های ریلی بوده است، یک پروژه در مرکز شهر آتلانتا که نمایشگاه‌های اتومبیل در آن وجود داشته یا پارک‌ها و بلوارهایی در میامی یا میلان که توسط برج‌های بلندمرتبه جدید احاطه شده‌اند. زمانی که کار دشوار می‌شود، به عنوان طراح، به نمونه‌ای معتبر نیاز داریم. این کتاب معتبر در خصوص طراحی شهری و منظر محیط‌زیست توسط متخصصان گردآوری شده است. اشتاینر و پالاترو از مدت‌ها قبل در این رشته به عنوان پیشگامان بوم‌شناسی، پایداری و طراحی شهرها مورد احترام بوده‌اند. آن‌ها به عنوان نظریه پرداز، از مزیت منحصر به فرد پیش‌بینی آخرین روندها بر پایه دانش برجسته و بستر تاریخی خود برخوردارند. آن‌ها به عنوان طراح، این تجربه را دارند که واقع‌بینانه بدانند چه چیزهایی جواب می‌دهند و چه چیزهایی نه.

اکنون که به گذشته فکر می‌کنم، آرزو می‌کنم کاش روی آنچه سیت<sup>۲</sup>، اولمستد<sup>۳</sup>، هیلیر<sup>۴</sup>، هابرماس<sup>۵</sup>، جیکوبز<sup>۶</sup> یا لینچ<sup>۷</sup> پیشنهاد می‌کردند و واقعاً کار ما راحت‌تر می‌کرد، تمرکز می‌کردم. با وجود این، همان‌طور که پیش می‌رویم، خوشبختانه بیش افرادی مانند اشتاینر و پالاترو در زمینه طراحی را در اختیار داریم. آموزشگاه‌ها مدرک طراحی شهری بیشتری صادر می‌کنند. دانشگاه میامی اخیراً کارشناسی ارشد خود را در طراحی شهر و حومه به کارشناسی ارشد طراحی شهری تبدیل کرده است. جورجیا تک نیز همین کار را انجام داده است. دانشجویان به سمت برنامه‌های درسی که در گذشته ممکن بود مورد غفلت قرار بگیرند، می‌روند. آن‌ها به چین، هند و آفریقا فرستاده می‌شوند تا راه‌حل‌های اکولوژیکی را در حیطه طراحی شهری اتخاذ کنند. پالاترو و اشتاینر به عنوان نظریه پرداز، تغییرات را شناسایی و مطالعات موردی واقعی را بررسی می‌کنند و به ما یاد می‌دهند که چگونه این بازی را با طراحی پایدار و سازگار با محیط‌زیست تمام کنیم. بنابه تخمین سازمان ملل، اکنون نیمی از مردم جهان در شهرها زندگی می‌کنند. تا سال ۲۰۵۰، شصت و شش درصد از ما در مناطق شهری زندگی خواهیم کرد. برنامه‌ریزی‌های زیادی برای انجام دادن داریم. این توسعه جدید در قرن بیست و یکم چگونه خواهد بود و چطور عمل خواهد کرد؟ تصمیمی است که اکنون باید بگیریم. این رکود بزرگ در حالی که سرعت کار فعلی ما را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد، به ما فرصت و زمان خواهد داد تا اشتباهات طراحی خود را بازشناسی کنیم و آینده را مورد تأمل قرار دهیم. در حال حاضر، بسیاری از ما از فرصت زمان بهره‌مندیم تا ببینیم چگونه طراحی و دنیای خود را بهتر کنیم.

1. Big Dig  
2. Sitte  
3. Olmsted  
4. Hillier

5. Habermas  
6. Jacobs  
7. Lynch

طراحان شهری محیط بیرونی را شکل می دهند. این خوش شانسی ماست که می توانیم روی هر آنچه در اطراف خود می بینیم کار کنیم، هر آن چیزی که توسط سقف ها و دیوارها محصور و پنهان نشده است. اگر زیرساخت پایه ای که طراحی را براساس آن انجام می دهیم را در نظر بگیریم، طراحی شامل نما، خیابان، مسیر، چشم انداز، پهنه دید و منظر خواهد بود. در واقع، شامل هر آنچه می بینیم و نمی بینیم، می شود. ما موفق شده ایم حیطه کار خود را بر طراحی محیط های بیرونی معطوف کنیم. این یک حرفه قدرتمند و پویاست که ما آن را انتخاب کرده ایم.

باربارا فاگ، معاون اجرایی رئیس AECOM

اکتبر ۲۰۱۰

آتلانتا، جورجیا

## مقدمه

طراحی شهری از یک حوزه فعالیت مشخص فاصله دارد... باوجود حضور مکرر آن در ادبیات آموزشی و تخصصی، طراحی شهری هنوز اصطلاح مبهمی محسوب می‌شود.

علی مدنی پور

اصطلاح طراحی شهری در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی (لانگ، ۲۰۰۵) تقریباً به‌طور هم‌زمان با اولین حضور در برنامه‌های درسی دانشگاهی در ایالات متحده ابداع شد. باوجود سابقه طولانی و توجه اخیر به حوزه طراحی شهری، این اصطلاح هنوز به‌طور کامل واضح و مشخص نیست. ابتدا به برخی تعاریف موجود از طراحی شهری می‌پردازیم و سپس تعریف کاربردی خود را از این واژه در این کتاب بیان می‌کنیم که در درجه اول برای دانشجویان و متخصصان طراحی و برنامه‌ریزی شهری و همچنین توسعه‌دهندگان و مقامات دولتی در نظر گرفته می‌شود.

فرانسیس تیبلدز<sup>۱</sup>، رئیس سابق مؤسسه برنامه‌ریزی شهری سلطنتی، دیدگاه‌های بسیاری را در زمینه طراحی شهری جمع‌آوری کرد. برخی از این تعاریف بی‌شک سؤال‌برانگیز و مبهم هستند؛ تعاریفی مانند «قطعات معماری»، «فضای بین ساختمان‌ها»، «سیاست متفکرانه شهرداری‌ها»، «همه آنچه که می‌توانید از پنجره ببینید» و «تجمعی از تجارت، دولت، برنامه‌ریزی و طراحی معمارانه». اما سایر تعاریف به جزئیات بیشتری می‌پردازند و قابل قبول‌تر هستند. «طراحی شهری رابطه‌ی است بین معماری، برنامه‌ریزی شهر و مشاغل مرتبط این چنینی»، «طراحی سه‌بعدی مکان‌ها برای افراد و مراقبت و مدیریت بعد از آنهاست»، «فعالیت خلاقانه‌ای که از طریق آن شکل و شخصیت محیط شهری در مقیاس محلی می‌تواند ابداع شود» و «طراحی فیزیکی قلمرو عمومی» (تیبلدز، ۱۹۸۸، به نقل از مدنی پور، ۱۹۹۶، ص. ۹۳).

اشخاص برجسته در حیطه عمل و تئوری طراحی شهری، تفسیرهای دیگری را ارائه داده‌اند. دانشمند فقیه آمریکایی، کوین لینچ<sup>۲</sup>، طراحی شهری را فعالیتی که «با شکل و فرم محیط‌های احتمالی شهری» سروکار دارد، توصیف کرد (لینچ و هک، ۱۹۸۴). لینچ در کتاب شکل خوب شهر (۱۹۸۴، ص. ۲۹۰) تعریف وسیع‌تری از طراحی شهری به‌عنوان «هنر ایجاد امکاناتی برای استفاده، مدیریت و شکل‌دهی سکونتگاه‌ها یا بخش‌های مهم آن‌ها» ارائه داد. کلارنس اشتاین<sup>۳</sup>، یک معمار و برنامه‌ریز آمریکایی که با همکاری لوئیس مامفورد و همکارانش در سال ۱۹۲۳ انجمن برنامه‌ریزی منطقه‌ای آمریکا را تأسیس کردند، طراحی شهری را (که مامفورد آن را

1. Francis Tibbalds  
2. Kevin Lynch

3. Clarence Stein

طراحی شهر<sup>۱</sup> نامید) «هنر ایجاد ارتباط ساختارها با یکدیگر و با محیط طبیعی خود جهت خدمت به زندگی معاصر» توصیف کرد (به نقل از استرانگ، ۱۹۹۰، ص. ۱۴۱). متیو کارمونا<sup>۲</sup> و استیو تیزدل<sup>۳</sup> طراحی شهری را «به عنوان فرایند ساخت مکان‌های بهتر برای مردم نسبت به مکان‌هایی که به گونه‌ای دیگر ایجاد می‌شوند» تعریف می‌کنند. آن‌ها همچنین افزودند که «طراحی شهری فرایندی است که از آن محیط شهری به وجود می‌آید» (۲۰۰۷، ص. ۱).

جرمی تیل، نظریه پرداز انگلیسی، در حوزه معماری استدلال می‌کند که «باید زمان و نه مکان را بستر اصلی ادراک معماری در نظر گرفت» (۲۰۰۹، ص. ۹۵). حتی اگر آن را بستر اصلی در نظر نگیریم، باید حداقل با تولید فضا در طراحی شهری همگام در نظر گرفته شود. علی مدنی پور، نظریه پرداز و محقق طراحی شهری در دانشگاه نیو کاسل انگلیس، تعریفی ترکیبی را پیشنهاد می‌کند که تأکید بیشتری بر موضوعات اکولوژیکی دارد و می‌تواند مناسب‌ترین تعریف برای این کتاب باشد. از نظر او، «طراحی شهری می‌تواند به عنوان فعالیت میان‌رشته‌ای جهت شکل دادن و مدیریت محیط‌های شهری تعریف شود؛ فعالیتی که هم به فرایند این شکل دهی و هم به فضایی که به شکل گیری آن کمک می‌کند، معطوف است. طراحان شهری با ترکیب عوامل فنی، اجتماعی و بیانی از هر دو روش بصری و کلامی در ارتباط استفاده می‌کنند و طیف فضایی اجتماعی شهر را در هر مقیاسی درگیر می‌کنند. طراحی شهری بخشی از فرایند تولید فضا است» (۱۹۹۶، ص. ۱۱۷).

ما در این کتاب از توجه به اکولوژی شهری به عنوان یک جزء اساسی در طراحی شهری حمایت می‌کنیم. بوم‌شناسی شهری فراتر از درک طبیعت در شهرهاست و شامل ترکیب انسان و غیرانسان در اکوسیستم‌های عملکردی هم می‌شود. درک اکولوژی شهری می‌تواند به رفع دو چالش تغییر اقلیم و استفاده از انرژی نیز کمک کند. تقریباً ۴۰ درصد از گازهای گلخانه‌ای تولید شده در ایالات متحده آمریکا را ساختمان‌ها تشکیل می‌دهند و حدود ۴۰ درصد انرژی را نیز مصرف می‌کنند (در صورت در نظر گرفتن فرایند ساخت و ساز ساختمان، این عدد به حدود ۵۰ درصد نیز می‌رسد). سیستم‌های حمل و نقل، ۲۷ درصد دیگر به تولید گازهای گلخانه‌ای و مصرف انرژی اضافه می‌کنند. طراحی شهری می‌تواند به شکل گیری فرم شهرهایی کمک کند که در آن‌ها نیاز کمتری به سفر و مصرف منابع باشد. می‌توان از عناصر طبیعی برای کمک به کاهش تغییرات آب و هوایی و مصرف انرژی استفاده کرد. به عنوان مثال، درختان می‌توانند کربن محیط را تصفیه کنند و سایه بان ساختمان‌ها باشند. همچنین، تحقیقات اکولوژیکی در شهرها می‌توانند درک ما از زندگی حیوانات در مناطق شهری را افزایش دهند. تکه تکه شدن زیستگاه این حیوانات، بسیاری از گونه‌ها را تهدید می‌کند. طراحان شهری می‌توانند با ایجاد ارتباط بین فضاها، سبز در شهرها، این مشکل را برطرف کنند. برخی از بوم‌شناسان شهری نیز افراد آسیب پذیر در مکان‌های حساس را مد نظر قرار می‌دهند.

بین طراحی شهری و اکولوژی شهری، وجه مشترک‌های زیادی وجود دارد. هر دو شامل ایجاد ارتباط و پرده‌برداری از روابط پنهان هستند و هر دو زمینه مطالعاتی به دنبال یک رویکرد یکپارچه بین رشته‌های مختلف

1. City design  
2. Matthew Carmona

3. Steve Tiesdell

می‌گردند. اکولوژی شهری به یک چهارچوب یکپارچه نیاز دارد که از طریق آن بتواند «پیامدهای زیست‌محیطی الگوهای جایگزین توسعه شهری را ارزیابی و سیاست‌هایی را برای مدیریت مناطق شهری در برابر تغییرات، تدوین کند» (آلبرتی، ۲۰۰۸، پیشگفتار) طراحی شهری یک رشته یکپارچه است که به‌طور سنتی به معماری و برنامه‌ریزی شهر منسوب است (لانگ، ۱۹۹۴). اکولوژی شامل روابط متقابل بین همه موجودات با موجودات دیگر و همچنین با محیط آن‌هاست. مارینا آلبرتی (۲۰۰۸، پیشگفتار) معتقد است که «شهرها پدیده‌های ترکیبی هستند و هم‌زمان توسط فرایندهای انسانی و بیوفیزیکی هدایت می‌شوند». این پدیده‌ها فقط با مطالعه جداگانه اجزای سازنده آن‌ها قابل درک نیستند. «بنابراین اکولوژی شهری مطالعه روش‌هایی است که انسان و سیستم‌های اکولوژیکی با هم در مناطق شهری تکامل می‌یابند» (آلبرتی، ۲۰۰۸، پیشگفتار). مطالعات اکولوژیکی شهری، ابعاد مختلف پویایی سیستم‌های شهری را در قالب یک چهارچوب نظری منسجم ترکیب می‌کنند. برنامه‌ریزان و طراحان شهری می‌توانند از طریق این چهارچوب نظری، ابزارهای مناسب را برای تجزیه و تحلیل و تدوین سیاست‌ها و طراحی‌ها پیدا کنند. اولین قدم این چهارچوب، آسیب نرساندن به محیط‌زیست یا مردم است و بعد طراح باید کمک کند تا تأثیرات انسان بر محیط طبیعی را کاهش دهد. قدم سوم این چهارچوب که کمی بلندپروازانه است، کمک طراح به تنظیم روابط انسان با موجودات زنده دیگر در محیط مصنوع است.

مدتی است که ایده «شهرها به‌عنوان اکوسیستم‌ها» مطرح است. این ایده هنگامی که بنیاد ملی علوم ایالات متحده<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۷ دو پروژه تحقیقات اکولوژیکی شهری بلندمدت<sup>۲</sup> را ایجاد کرد، پیشرفت قابل توجهی کرد. پیش‌ازاین، چنین پروژه‌های تحقیقاتی، از جزایر ساحل ماین گرفته تا فضای داخلی آلاسکا، فقط در مکان‌های دورافتاده با سکونت انسانی کم صورت می‌گرفتند. بوم‌شناسان طی مذاکراتی با بنیاد ملی علوم ایالات متحده، دو پروژه تحقیقات اکولوژیکی شهری بلندمدت را به این بنیاد تحمیل کردند: یکی در بالتیمور<sup>۳</sup> و دیگری در فینیکس<sup>۴</sup>. این دو پروژه سایر محققان را تحریک کردند تا تحقیقات اکولوژیکی را در سایر مناطق نیز پیش ببرند، به‌ویژه در پاکت ساوند<sup>۵</sup> که در شمال‌غربی اقیانوس آرام است (آلبرتی، ۲۰۰۸).

این پژوهش‌ها دانش مفیدی را در زمینه طراحی شهری به‌دنبال داشتند. به‌عنوان مثال، اکنون می‌دانیم که آسفالت‌های سیاه در شکل‌گیری جزایر گرمایی شهری در شهر فینیکس نقش دارند (بیکر<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). آسفالت سیاه به‌دلیل اینکه نور را منعکس نمی‌کند، گرما را در خود ذخیره می‌کند. به‌علاوه، روکش آسفالت پارکینگ‌ها و خیابان‌ها از علل ایجاد رواناب‌های سریع بعد از وقوع توفان و کاهش کیفیت آب است. این تحقیقات روی شهر فینیکس به تعیین کمیت جزیره گرمایی شهری در منطقه کلان‌شهر کمک کرد. محققان همچنین موفق شدند چگونگی بالاتر بودن دمای شب شهری نسبت به بیابان‌های طبیعی اطراف را نشان دهند. طراحی شهری، راه‌حل‌های بالقوه بسیاری مانند استفاده از آسفالت رنگ روشن، سنگ‌فرش متخلخل و افزایش کاشت را ارائه داد.

1. NSF  
2. LTER  
3. Baltimore (<http://www.bestler.org>)

4. Phoenix (<http://caplter.asu.edu>)  
5. the Puget Sound  
6. Baker

بسیاری از حوزه‌ها به پروژه‌هایی نیاز دارند که تحت تجزیه و تحلیل تأثیرات زیست‌محیطی قرار گیرند. اکولوژی شهری در چنین تجزیه و تحلیل‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر این، می‌تواند به طراحان کمک کند تا متوجه جای پای اکولوژیکی پروژه‌های خود نیز باشند (ر.ک. فصل ۳).

ایان مک‌هارگ<sup>۱</sup> که یکی از نظریه‌پردازان و متخصصان در زمینه تقویت روابط شهر و طبیعت است، می‌نویسد: «در تاریخ توسعه انسانی، بشر مدت‌هاست که در مواجهه با طبیعت بسیار قدرتمند، ضعیف بوده است» (مک‌هارگ، ۱۹۶۳، نقل شده در اشتاینر، ۲۰۰۶، ص. ۲). طبق گفته شاگرد مک‌هارگ، آن و استون اسپیرن<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) که یک محقق آمریکایی در زمینه معماری منظر و طراحی شهری است، عملکرد و نظریه اکولوژی سکونتگاه‌های انسانی - که وی آن را «شهرسازی اکولوژیکی» می‌نامد - دارای سابقه‌ای طولانی است و ریشه‌های عمیقی در فرهنگ غرب دارد. بقراط در قرن چهارم پیش از میلاد تأثیرات هوا، آب و مکان را بر سلامتی افراد بررسی کرد. ویتروویوس<sup>۳</sup> (قرن اول قبل از میلاد) در فصل ۵ کتاب اولین کتاب در حوزه معماری، مکان ایدئال یک شهر را با توجه به جهت‌گیری آن به سمت خورشید، باد و آب و هوا توصیف کرد. لئون باتیستا آلبرتی<sup>۴</sup> (در ده کتاب در مورد معماری که در پایان قرن پانزدهم منتشر شد) بر بلائیایی که بر سر شهرهایی که قدرت طبیعت را نادیده می‌گیرند می‌آید، تأکید کرد.

این صف طولانی متفکران که در مورد وابستگی متقابل بین سکونتگاه‌های انسانی و طبیعت سخن گفته‌اند، طی چند قرن گذشته اقیانوس اطلس را پشت سر گذاشته و از اروپا و آمریکای شمالی رسیده است. به عنوان مثال، جورج پرکینز مارش<sup>۵</sup>، نویسنده کتاب *انسان و طبیعت* (۱۸۶۴)، نقش انسان‌ها را به عنوان «همکاران طبیعت در بازسازی بافت آسیب‌دیده» بیان کرد. در کنار اثر تأثیرگذار مارش، پیشگامان معماری منظر، مانند فردریک لا اولمستد<sup>۶</sup> و چارلز الیوت<sup>۷</sup> و همچنین نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مانند پاتریک گدس<sup>۸</sup>، زیست‌شناس اسکاتلندی، و لوئیس مامفورد<sup>۹</sup> و بتون مک‌کی<sup>۱۰</sup> آمریکایی همگی از اهمیت درک طبیعت و تعامل پیچیده‌ای که با انسان‌ها و مصنوعات ساخت دست آن‌ها دارد، صحبت می‌کنند؛ از جمله ساختمان‌ها، مناظر و یا شهرها (لوکارلی<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۵؛ پالاتزو، ۱۹۹۷؛ دویزی<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲).

اثر اصلی مک‌هارگ، کتاب *طراحی با طبیعت* (۱۹۶۹) راه‌های درک نقش طبیعت در ساخته‌های دست بشر - یعنی ساختمان‌ها، مکان‌ها و فضاها - را عمیق‌تر کرد. مک‌هارگ ادعا کرد برای شناخت رابطه بین طبیعت و طراحی، لازم است که «شهر را به عنوان فرمی که در وهله اول از تکامل زمین‌شناسی و بیولوژیکی به وجود آمده است، درک کنیم و آن را به عنوان مجموعه‌ای از فرایندهای طبیعی که وجود دارند و انسان باید با آن‌ها سازگاری کند، بشناسیم. همچنین لازم است که توسعه تاریخی شهر به عنوان سلسله‌ای از مطابقت‌های فرهنگی

1. Ian McHarg  
2. Anne Whiston Spirn  
3. Vitruvius  
4. Leon Battista Alberti  
5. George Perkins Marsh  
6. Frederick Law Olmsted  
7. Charles Eliot

8. Patrick Geddes  
9. Lewis Mumford  
10. Benton MacKaye  
11. Luccarelli  
12. Nubisi

که در طرح شهر و ساختمان‌های آن به صورت جداگانه و گروهی منعکس شده است، درک شود. این پژوهش به عنوان یک تحقیق در مورد فرم معین، یعنی هویت طبیعی و فرم ساخته شده، یعنی شهر شکل داده شده، توصیف می‌شود. «از نظر مک‌هارگ، دیدگاه اکولوژیکی «راه را به کسی که می‌تواند به عنوان یک آنزیم در زیست کره<sup>۱</sup> باشد، نشان می‌دهد و ناظر آن، افزایش تناسب خلاقانه انسان- محیط است که طراحی بشر با طبیعت را محقق می‌سازد».

در کتاب شکل خوب شهر، کوین لینچ (۱۹۸۴) با هدف ساختن نظریه‌ای که نقش طبیعت را از دیدگاه علمی بیشتر از یک دیدگاه رمانتیسیم مد نظر قرار می‌دهد، شهر را بخشی از طبیعت توصیف کرد. لینچ هم مانند مک‌هارگ، تحت تأثیر نظریات لوئیس مامفورد بود. آن‌ها با هم، بخشی از توجه فزاینده زیست محیطی مرتبط با طراحی و برنامه‌ریزی هستند که از دهه ۱۹۵۰ در ایالات متحده شکوفا شده است.

در سال ۱۹۹۳، کنگره شهرگرایی جدید با هدف «بازتعریف پروژه‌های شهری» تأسیس شد که طراحی را به عنوان یک عمل منحصربه‌فرد می‌بیند و نه مجموعه‌ای از اقدامات باظرافت و پیچیده که ساختار شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند» (داتون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰، ص. ۲۹). در سال‌های بعد، این هدف توسط بسیاری از کتاب‌ها و پروژه‌ها تقویت شد.<sup>۳</sup> پتر کالتورپ<sup>۴</sup>، بنیان‌گذار کنگره شهرگرایی جدید، اندیشمندی مبتکر است که با دقت بر ضرورت ترکیب طراحی واحدهای همسایگی، حومه شهرها و بخش‌های شهر را با اکولوژی، ضروری می‌داند. وی در دیباچه کتاب کلان‌شهر بعدی آمریکا<sup>۵</sup> (۱۹۹۳، ص. ۹) می‌نویسد: «این کتاب در مورد اکولوژی جوامع است، نه در مورد اکولوژی سیستم‌های طبیعی؛ بلکه در مورد اینکه چگونه اصول اکولوژیکی مانند تنوع، وابستگی متقابل، مقیاس و تمرکززدایی می‌توانند در مفهوم حومه‌ها، شهرها و مناطق ما نقش داشته باشند».

کنگره شهرگرایی جدید، معیارهای معماری و شهرسازی پایدار<sup>۶</sup> را که با همراه منشور شهرگرایی جدید است (کنگره برای شهرگرایی جدید، ۱۹۹۶)، تصویب کرد. این معیارها با تأکید بر موضوعاتی مانند تغییرات اقلیمی، روابط روستایی با شهری، ضرورت کاهش کربن و تولید گازهای گلخانه‌ای، اصول راهنمای برنامه‌ریزی و طراحی شهری را ارائه می‌دهند. یک دیدگاه یکپارچه شامل اکولوژی و طراحی مستلزم این است که بخش‌های خاصی از شهر به عنوان شکل دهنده یک سیستم پیچیده شهری درک شوند.

در سال ۱۹۷۹، کنت اشنايدر<sup>۷</sup>، برنامه‌ریز شهری، بر لزوم برخورد برنامه‌ریزان و شهرسازان با کل سیستم شهر، نه فقط با اجزای آن، تأکید کرد و گفت: «با وجود نظریات خلاف بسیاری از شهرسازان و دوستداران محیط زیست، مسائل اصلی امروز، آب و هوای پاک، گونه‌های در معرض خطر، پول بیشتر برای مسکن و نوسازی شهری و یا حتی انرژی نیستند. این مشکلات وجود دارند و باید به آن‌ها پرداخته شود، اما اصلی‌ترین مشکل ساختار محیط انسانی، شهر است. ساختن یک شهر خوب به عنوان چهارچوبی برای کار هماهنگ همه اجزای

1. The enzyme of the biosphere  
2. Dutton  
3. Katz, 1994; Hall and Porterfield, 2001; Talen, 2005; Grant, 2006  
4. Peter Calthorpe

5. The Next American Metropolis  
6. Congress for the New Urbanism, 2009  
7. Kenneth Schneider



تشکیل دهنده آن و برای کاهش هریک از مسائل جداگانه توسعه ضروری است (اشنایدر، ۲۰۰۳، ص. ۳۴). توجه به چالش‌های شهری مانند رشد شهر، کیفیت محیط‌زیست و زیست‌پذیری از دهه ۱۹۹۰ شروع شده و در قرن بیست و یک افزایش یافته است. اکوشهرها (۲۰۰۶) شهرهای پایدار (جنکز<sup>۱</sup> و جونز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰) و شهرهای سبز (لو<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۵) تعدادی از عبارات جذابی هستند که برای ترکیب طراحی شهری سنتی و توجه به مناظر و سیستم‌های اکولوژیکی استفاده می‌شوند. جانانان بارنت<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) ترکیبی شیوا از رویکردهای مختلف را ارائه می‌دهد: «در طراحی شهر سبز، توجه به منظر غالب است و ضوابط ساختمانی، غیررسمی و مطابق با خطوط زمین است، در حالی که در سیستم‌های طراحی شهر، ساختمان‌ها و فضاهای باز اجزای اصلی سیستم محسوب می‌شوند، به این معنی که فضای باز ممکن است در چهارچوب ساختاری باشد که ساختمان‌ها را نیز دربر می‌گیرد». ما به دنبال تلفیق میراث برنامه‌ریزی اکولوژیکی و میراث طراحی شهری هستیم.

چگونه ممکن است طراحی شهری اکولوژیکی تر شود؟ از آنجا که اکولوژی به چگونگی تعامل همه موجودات از جمله انسان‌ها با یکدیگر و محیط‌های ساخته‌شده و طبیعی می‌پردازد، طراحی زیستگاه شهری ممکن است اساسی‌ترین فعالیت اکولوژیکی ما باشد. ما امروزه بیشتر از قبل به دنبال ایجاد شهرهایی هستیم که حداقل استانداردهای پایداری را داشته و قابل‌بازیابی باشند. پتر کالتورپ (۲۰۱۱) نمونه خاص قانع‌کننده‌ای را برای شهرگرایی در این عصر تغییرات اقلیمی ارائه می‌دهد. کالتورپ و تیموتی بیتلی (۲۰۱۱) به اینکه چگونه مکان‌های فشرده‌تر و متراکم شهری بتوانند زیست‌پذیرتر و برای سیاره‌مان مناسب‌تر باشند، می‌پردازند. نمایشگاه جریان‌های درحال افزایش موزه هنرهای مدرن نشان می‌دهد که چگونه طراحی می‌تواند به منظور کاهش تأثیر تغییرات اقلیمی در ساحل شهر نیویورک مورداستفاده قرار گیرد (نورندسون و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). در طراحی اکولوژیکی، چنین موضوعات طراحی شهری از جمله تراکم، قابلیت پیاده‌روی و اتصال از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند. در کتاب کلان‌شهر سبز<sup>۶</sup>، دیوید اوون<sup>۷</sup> (۲۰۰۹) به شهر نیویورک به عنوان یک مورد سردمدار پایداری اشاره می‌کند. برای مثال، او خاطر نشان می‌کند که ۸۲ درصد از ساکنان منهن با حمل و نقل عمومی، دوچرخه یا پیاده به محل کار خود می‌روند. از آنجا که نیویورک بسیار پرجمعیت است، فضاهای سبز برای پناه دادن، استراحت و تفریح طراحی شده‌اند، از پارک‌های بزرگی مانند سنترال<sup>۸</sup> و پراسپکت<sup>۹</sup> گرفته تا پارک‌های کوچکی که همراه با پارک‌های جدید خلافتانه مانند پروژه معروف‌های لاین<sup>۱۰</sup> در پایین شهر منهن، شهر را پوشش می‌دهند.

برپایه آثار بسیاری از افراد و نظریه‌هایی که در بالا ذکر شد، هفت ویژگی زیر را برای طراحی شهری جمع‌آوری کرده‌ایم:

- این رشته به فرایند ساخت فرم‌های مصنوع و مدیریت آن‌ها معطوف است.

1. Jenks  
2. Jones  
3. Low  
4. Jonathan Barnett  
5. Nordenson, Seavitt, and Yarinsky

6. Green Metropolis  
7. David Owen  
8. Central  
9. Prospect  
10. High Line

- برای مقیاس‌های مختلف و قسمت‌های مختلف محیط‌های شهری کاربرد دارد.
- عناصر برنامه‌ریزی شهری، طراحی ساختمان‌ها، فضاهای باز و سبز را با هم ترکیب می‌کند.
- شامل مهارت‌ها و دانش فنی مختلف برای تجزیه و تحلیل، طراحی، نمایش و تبادل و ارتباط‌گیری است.
- یک روند عینی عقلانی (علمی) را به جای یک فرایند ذهنی بیانی (هنری) به کار می‌بندد، اما فرایند هنری را رد نمی‌کند.
- به اکولوژی منطقه و محیط شهری، در سایت پروژه پاسخ گوست.
- به اندازه کافی انعطاف‌پذیر است تا بتواند با تغییراتی که در طول زمان رخ می‌دهد، سازگار باشد.

### توسعه طراحی شهری به عنوان یک رشته

طراحی شهری با وجود کاربردهای فراوان و سابقه زیاد در پژوهش، معمولاً به خودی خود یک رشته محسوب نمی‌شود؛ بلکه بیشتر اوقات رابط بین رشته‌های مختلف است. طراحی شهری در قاره اروپا بیشتر به عنوان یک تخصص در معماری و برنامه‌ریزی شهری شناخته می‌شود که برای کارها و فعالیت‌های طراحی شهری رقابت می‌کنند. کاربرد طراحی شهری می‌تواند از پروژه معماری که بستر فیزیکی بزرگ‌تری را مورد توجه قرار می‌دهد، تا پروژه برنامه‌ریزی یک شهر که در آن ضوابط کاربری زمین اختیارات خود را در مورد اشکال، حجم‌ها، فواصل و عملکردهای محیط شهری گسترش می‌دهند، متغیر باشد. در انگلستان، طراحی شهری توسط دولت‌های مرکزی و محلی به رسمیت شناخته شده و در وظایف برنامه‌ریزی گنجانده شده است (کارمونا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳).

در کشورهای دیگر، از جمله ایالات متحده آمریکا و کانادا، زمانی که رشته‌های دیگر نظیر معماری منظر و شهرسازی منظر با رشته‌های معماری و برنامه‌ریزی و شاید حتی با خود طراحی شهری در امر شکل دادن به محیط‌های شهری رقابت می‌کنند، درگیری‌هایی اتفاق می‌افتد. در واقع، بسیاری از استودیوهای برجسته معماری منظر در آمریکای شمالی خود را به عنوان طراحان شهری نیز معرفی می‌کنند و بسیاری از متخصصان طراحی شهری دارای سابقه آکادمیک در معماری منظر هستند. نقش مثبت طراحی شهری عبور از مرز رشته‌هایی است که در واقع از آن‌ها برگرفته شده است. طراحی شهری هم کل‌نگر است و هم بین‌رشته‌ای. این رشته‌ها شامل معماری، برنامه‌ریزی اجتماعی و منطقه‌ای، مهندسی، معماری منظر، بوم‌شناسی، حقوق، توسعه املاک و مستغلات، اقتصاد و سایر تخصص‌هایی هستند که ظرفیت تجزیه و تحلیل، درک، تفسیر و مداخله در شهر را دارند. دانش این رشته‌ها برای ایجاد فضاهای عمومی استفاده می‌شود که باید هم برای مردم و هم برای محیط آن‌ها سودمند باشند.

توسعه طراحی شهری به عنوان یک تخصص فنی مجزا حتی در کشورهای انگلیسی و آمریکایی هم نسبتاً جدید است و با وجود اینکه در محیط آکادمیک به سرعت رشد کرده، این رشته در بسیاری از دانشگاه‌ها یا

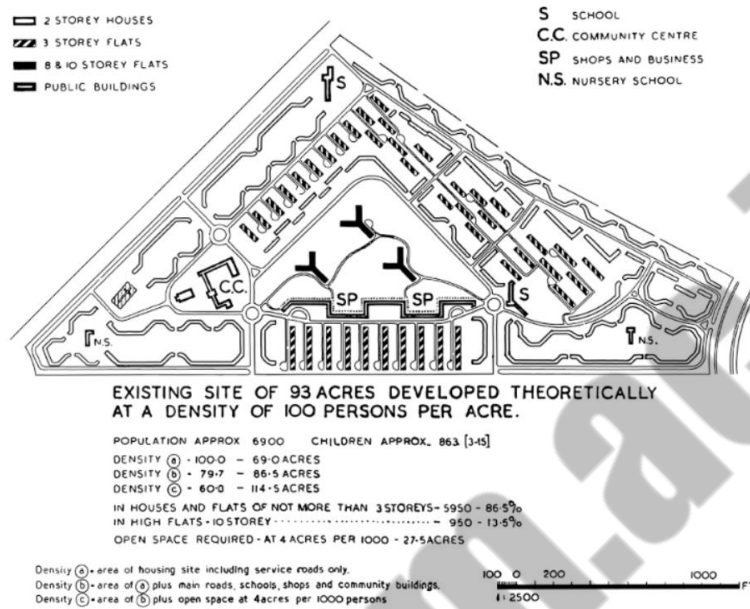
1. Carmona

به‌عنوان یک رشته تحصیلی یا به‌عنوان یک حوزه تمرکز در معماری و برنامه‌ریزی شهر ارائه می‌شود (بارنت<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲، ص. ۱۲-۱۳؛ پالاتزو، ۲۰۱۱). طراحی شهری در انجمن‌ها و سازمان‌های تخصصی (از جمله گروه طراحی شهری و منابع اطلاعات طراحی شهری، معروف به رودی<sup>۲</sup> در انگلستان و مجمع طراحی شهری، مؤسسه ون و مؤسسه طراحی شهری در ایالات متحده) نیز بیشتر و بیشتر به رسمیت شناخته می‌شود. اولین برنامه آکادمیک در زمینه طراحی شهری در ایالات متحده، برنامه طراحی مدنی دانشگاه پنسیلوانیا بود که در سال ۱۹۵۶ آغاز شد (بارنت ۱۹۸۲؛ استرانگ ۱۹۹۰) و به دنبال آن برنامه طراحی شهری هاروارد که در سال ۱۹۶۰ ارائه گردید. پس از آن، این اصطلاح به انگلستان وارد شد، گرچه در بریتانیا کبیر بود که اولین دوره و اولین گروه «طراحی مدنی»<sup>۳</sup> در سال ۱۹۰۹ در دانشگاه لیورپول شکل گرفت. دوره دانشگاه لیورپول با «مفهومی نزدیک به شهرداری و کارکردهایی مانند «مرکز مدنی» (کاتبرث<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷، ص. ۱۸۰) و «برنامه‌ریزی شهر»<sup>۵</sup> (۱۹۰۸) برای آموزش برنامه‌ریزان در نظر گرفته شده بود و بنابراین پایه‌ای را برای برنامه درسی طراحی شهری امروز ایجاد نکرد. طراحی شهری می‌تواند دو نقش ممکن را در اداره و برنامه‌ریزی مناطق شهری ایفا کند. جانانان بارنت (۱۹۹۵) تأکید ویژه‌ای بر مزایای نقش ارزشیابی طراحی شهری بر پیامدهای کالبدی برنامه‌ریزی شهر دارد. وی می‌نویسد: «یکی از مهم‌ترین تغییرات [در فلسفه برنامه‌ریزی و طراحی] افزودن روش‌های طراحی به عمل برنامه‌ریزی بوده است». طراحی یک روش تصمیم‌گیری پیچیده است که در آن مجموعه‌ای از اقدامات بالقوه با هم مرتبط هستند و انتخاب و تصمیمی در مورد یک عامل بر سایر عوامل نیز تأثیر می‌گذارد (ص. ۱۷۹). به گفته بارنت، طراحی شهری که در سیاست‌گذاری عمومی اعمال می‌شود، «درک و برنامه‌ریزی را در تعامل بین بزرگراه و محله‌های اطراف آن» پیشنهاد می‌دهد. این به معنای درک این است که مقررات مربوط به پهنه‌بندی به‌طور قطعی ساختمان‌ها را شکل می‌دهند و این پیامدهای طراحی باید پیش‌بینی و در نظر گرفته شوند» (صص. ۱۷۹-۱۸۰).

طراحی شهری باید به‌عنوان یک شریک قدرتمند همراه برنامه‌ریزی شهری در تحول کالبدی شهر دیده شود. یک مثال معروف، ارزیابی گزینه‌های طراحی در طرح لندن بزرگ است که پاتریک ابرکرومبی<sup>۷</sup> در سال ۱۹۴۴ به دولت انگلیس تحویل داد (و متعاقباً در سال ۱۹۴۵ منتشر شد). ابرکرومبی طرح‌های توسعه شهری را پیشنهاد کرد که از طریق فرم‌های جایگزین سکونتگاه‌ها ممکن بود. طرح لندن نمونه‌ای خارق‌العاده از رابطه خوب و امکان‌پذیر بین برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری است، جایی که برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی مفروضات جهت هدایت تحول و پشتیبانی از فرایندهای تصمیم‌گیری عمل می‌کند (شکل‌های ۱-۰، ۲-۰ و ۳-۰).

1. Barnett  
2. RUDI  
3. Van Alen Institute  
4. Civic Design

5. Cuthbert  
6. The Builder  
7. Patrick Abercrombie

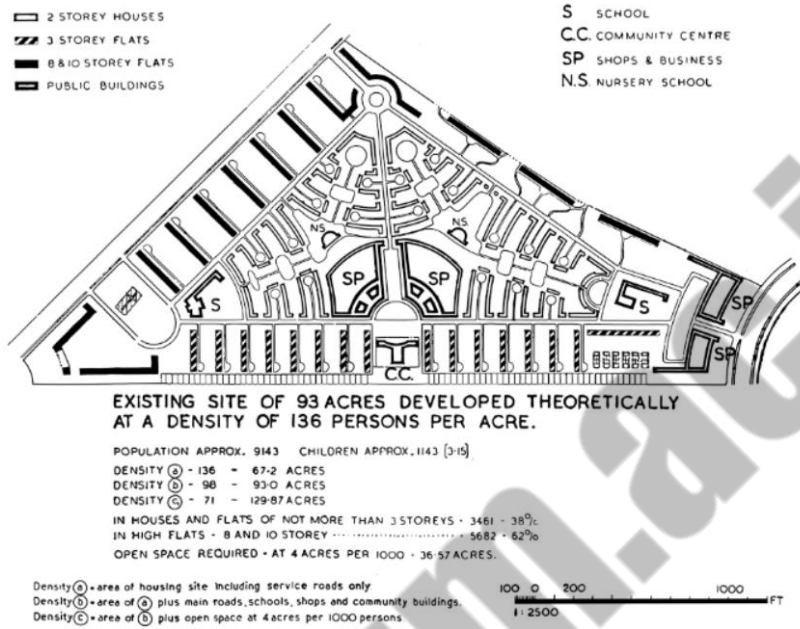


شکل ۱-۰ طرح لندن که توسط سر پاتریک ابرکرومبی<sup>۱</sup> تهیه شد. سایت موجود با مساحت ۹۳ هکتار (۲۷,۷ هکتار) در برمودنسی<sup>۲</sup> لندن که از نظر تئوری در تراکم‌های متفاوتی تهیه شده است. این شکل تراکم‌های جمعیتی ۱۰۰ نفر در هکتار را نشان می‌دهد (ابرکرومبی، ۱۹۴۵، صص. ۸۰-۸۲).

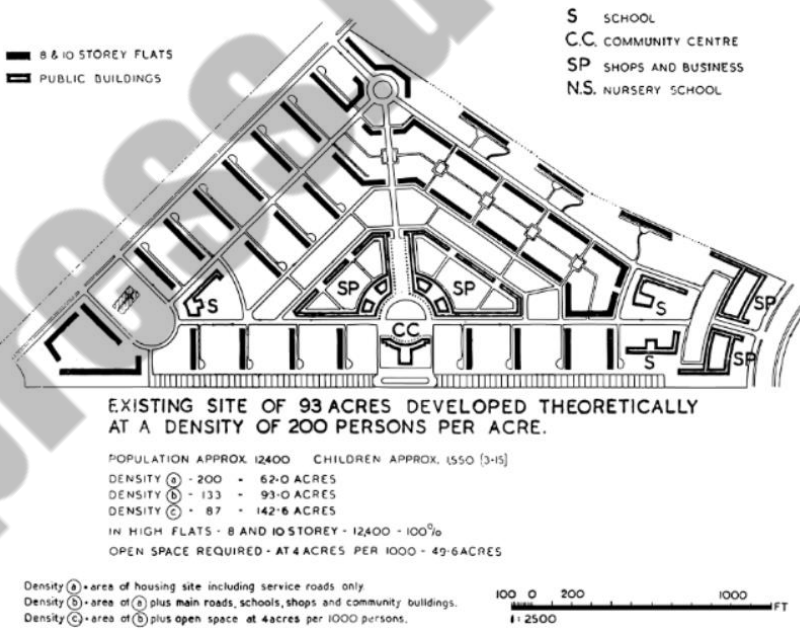
یک نمونه جدیدتر، طرح جامع بالی مون<sup>۳</sup> است که در آن بازآفرینی «خوابگاه اقماری دوبلین» و تبدیل آن به شهری با هویت خاص خود و مجموعه‌ای از فرصت‌های جدید برای بیست‌هزار ساکن، از طریق ترکیب یک برنامه انعطاف‌پذیر شهری و دستورالعمل‌های طراحی شهری که توسط متخصصان و جامعه تعریف شده است، با هدف ساخت «مکان‌ها» به جای «فضاها»، طرح‌ریزی شد. برنامه‌ریزی شهری هنگامی که با طراحی شهری تلفیق شود، باید بتواند نتایج موردانتظار طرح‌ها را با تولید بازنمایی‌های بصری و تخیلی نشان دهد. در ایالات متحده، چندین شهردار فعال، به‌ویژه ریچارد ام. دالی<sup>۴</sup> در شیکاگو و مایکل بلومبرگ<sup>۵</sup> در شهر نیویورک، از طریق طراحی شهری به تحولات فیزیکی بسیار موفقی در شهرهای خود رسیده‌اند. به‌عنوان مثال، پارک میلیونوم<sup>۶</sup> (شکل ۴-۰/شماره ۱) و بازآفرینی مگنیفیسنت مایل<sup>۷</sup> (خیابانی در میشیگان) اقدامات بسیاری در جهت احیای دوباره شیکاگو انجام داده‌اند، درحالی که پروژه‌هایی مانده‌های لاین (شکل ۵-۰) و پارک بروکلین بریج<sup>۸</sup> نتایج مشابه موفقی برای شهر نیویورک داشته‌اند. در کانادا طی برگزاری یکسری مسابقات طراحی، چهارچوبی برای تغییر شکل ساحل تورنتو در امتداد دریاچه انتاریو تعیین شد (شکل ۶-۰).

1. Abercrombie  
2. Bermondsey  
3. Ballymun Regeneration Limited  
4. Richard M. Daley

5. Michael Bloomberg  
6. Millennium Park  
7. Magnificent Mile  
8. Brooklyn Bridge Park



شکل ۲-۰ طرح لندن که توسط سر پاتریک ابرکرومبی تهیه شد. این شکل تراکم‌های جمعیتی ۱۳۶ نفر در هر هکتار را نشان می‌دهد (ابرکرومبی، ۱۹۴۵، ۸۰-۸۲).



شکل ۳-۰ طرح لندن که توسط سر پاتریک ابرکرومبی تهیه شد. این شکل تراکم‌های جمعیتی ۲۰۰ نفر در هر هکتار را نشان می‌دهد (ابرکرومبی، ۱۹۴۵، صص. ۸۰-۸۲).



شکل ۴-۰ پارک میلیونوم، شیکاگو. این پارک با مساحت ۲۴,۵ هکتار (۹,۹ هکتار) محدوده‌ای از حیاط‌های ریلی و پارکینگ‌ها را به یک مرکز مدنی برجسته نزدیک ساحل دریاچه میشیگان تبدیل کرده است. این پارک دارای آثار هنرمندان، معماران و معماران برجسته از جمله فرانک گری<sup>۱</sup>، آنیش کاپور<sup>۲</sup>، کترین گوستافسون<sup>۳</sup>، پیت اودولف<sup>۴</sup> و جائوم پلنسا<sup>۵</sup> است (عکس از تری گوئن<sup>۶</sup>).



شکل ۵-۰ های‌لاین، شهر نیویورک. طراحی شده توسط دفتر عملیاتی جیمز کرنر<sup>۷</sup> و دیلر اسکافییدیو رنفرو<sup>۸</sup> این پارک ۱,۴۵ مایلی (۲,۳۳ کیلومتری) را در موقعیت سابق یک راه‌آهن بلندمرتبه در ضلع پایین غربی منهن طراحی کردند (عکس توسط فردریک اشتاینر).

1. Frank Gehry
2. Anish Kapoor
3. Kathryn Gustafson
4. son, Piet Oudolf

5. Jaume Plensa
6. Terry Guen
7. James Corner Field Operations
8. Diller Scofidio Renfro



شکل ۶-۰ دن دن لندن، تورنتو-کانادا- این پروژه بخشی از مجموعه پروژه‌هایی است که برای تغییر شکل ساحل تورنتو در نظر گرفته شده است. طرح پیشنهادی نهایی استاس، یک رودخانه و مرداب ترکیبی را برای محدوده پیشنهاد می‌کند که با طیف گسترده‌ای از سطوح زره‌پوش تا متخلخل برای ایجاد یک زیستگاه جدید برای ماهی‌ها و حیات وحش و ایجاد نوع جدیدی از شهرهای سبز بادقت ساختار یافته است (© StossLU).

امیلی تالن<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) برنامه‌ریزان را ترغیب می‌کند تا از طراحی شهری استفاده کنند. ما استدلال می‌کنیم که با پذیرفتن طراحی شهری، برنامه‌ریزان می‌توانند برنامه‌ریزی را اصلاح کنند. برنامه‌ریزی شهری از زمان ظهورش به‌عنوان یک رشته با روش‌های خاص خود (در نیمه دوم دهه ۱۸۰۰ توسط ایلفونسو سرودا<sup>۳</sup> و «نظریه عمومی شهرنشینی»<sup>۴</sup> او در اروپا و همچنین توسط فردریک لائو اولمستد در آمریکای شمالی)، تجسم‌های مرتبطی از کالبد شهر را شکل داده است. نمونه‌های خارق‌العاده‌ای در تجارب برنامه‌ریزی، در اروپا باتونی گارنیه و شهر صنعتی<sup>۵</sup> در لیون فرانسه، آرتورو سوریا<sup>۶</sup> وای ماتا<sup>۷</sup> و شهر خطی<sup>۸</sup> او در اسپانیا، آرمان شهر لودویگ کار هیلبرسایمر<sup>۹</sup>، طرح الجزایر لوکوربوزیه، طرح وال دائوستا<sup>۱۰</sup> از آدریانو اولیوتی<sup>۱۱</sup> و باغ شهرها<sup>۱۲</sup> و شهرهای جدید انگلیسی و همچنین در ایالات متحده با طرح شیکاگو<sup>۱۳</sup> ۱۹۰۷ توسط دنیل برنهام<sup>۱۳</sup> و ادوارد بینت<sup>۱۴</sup>، طرح ماریمونت ۱۹۲۲ توسط جان نلون<sup>۱۵</sup> ۱۶، طرح شهر برادکر<sup>۱۷</sup> توسط فرنک لویدرایت<sup>۱۸</sup> و مشارکت‌های توسط دیوید والاس<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۴) و همکاران او، والاس رابرتز و تاد<sup>۲۰</sup> یافت می‌شوند.

1. StossLU  
2. Emily Talen  
3. Ildefonso Cerdà  
4. general theory of urbanization  
5. Cité Industrielle  
6. Arturo Soria  
7. Mata  
8. Ciudad Lineal  
9. Ludwig Karl Hilberseimer's Ideal City  
10. Val d'Aosta  
11. Adriano Olivetti

12. garden cities  
13. Daniel H. Burnham  
14. Edward P. Bennett  
15. John Nolen  
16. Mariemont  
17. Broadacre City  
18. Plan, Frank Lloyd Wright  
19. David Wallace  
20. Wallace Roberts & Todd colleagues

با آغاز دهه ۱۹۶۰، این شیوه مبتنی بر طراحی در برنامه‌ریزی شهری به نفع سیستم دوئیدی، نظارتی و «سیاست محور» کنار گذاشته شد، سیستمی که به هیچ وجه با مردم ارتباط برقرار نمی‌کرد. این جهت‌گیری شاید موجب فاصله افتادن بین جامعه برنامه‌ریزی و طراحی کالبدی شهر و ساخت آن شد. در این میان، متخصصان دیگر، از جمله نوشهرگرایان سعی کرده‌اند که کنترل برنامه‌ریزی را در دست بگیرند. در این روند بسیاری از متخصصان برنامه‌ریزی از اصول رایج نوشهرگرایان استقبال کرده‌اند، در حالی که دیگران، به ویژه معماران در حوزه آکادمیک، نوشهرگرایی را رد و از سبک‌های نوستالژیک حمایت کردند.

کتاب *باغ گارنیتیه*<sup>۱</sup> نوشته آن ویستون اسپیرن (۱۹۸۴) با افزودن نقشی در رابطه با برنامه‌ریزی، طراحی شهری را در جایگاهی جدید قرار می‌دهد: «راه‌حل زیست‌پذیرتر کردن شهرها از طریق طراحی شهری است. نه فقط از طریق طراحی محیط ساخته‌شده - خانه‌ها و محل کار، باغ‌ها و پارک‌ها، خیابان‌ها و سیستم‌های فاضلاب - بلکه از طریق چشم‌اندازی که ممکن است هیچ وقت درک نشوند. طراحی شهری فرایندی است که می‌توان از طریق آن شکل آینده را تصور و آن را توصیف کرد و گزینه‌های انتخابی را ارائه داد. بدون چشم‌اندازهایی که توسعه را هدایت کنند، شهرها به فرم‌هایی تبدیل می‌شوند که توسط سیاست‌های مصلحت‌اندیشی شکل گرفته‌اند» (اسپیرن، ۲۰۰۰، ص. ۲۹۷). در جای دیگر، اسپیرن بر مشارکت‌های بالقوه اکولوژی شهری با طراحی و برنامه‌ریزی شهری تأکید می‌کند (اسپیرن، ۱۹۹۸).

تعریف همکاری بین طراحی و معماری شهری سیال‌تر و دشوارتر است. مرز بین معماری و طراحی شهری اغلب نامشخص است. اینکه یک پروژه معماری کجا پایان می‌یابد و یک پروژه طراحی شهری از کجا آغاز می‌شود؟ مثلاً آیا طراحی یک محله، موضوع معماری محسوب می‌شود یا طراحی شهری؟ آیا طراحان شهری فقط فضاهای باز و معماران فقط توده‌ها را طراحی می‌کنند؟ سؤالاتی از این قبیل پاسخ ساده‌ای ندارند. اسپیرن (۲۰۰۰، ص. ۲۹۷) طراحی شهری را چنین تعریف می‌کند: «فرایند پیش‌بینی و توصیف شکل آینده به همراه ارائه جایگزین‌هایی برای انتخاب». این همان چیزی است که به طور خاص طراحی شهری را از معماری متمایز و فضای همکاری را ایجاد می‌کند. معماری قادر است چشم‌انداز را فراهم کند و آینده‌های ممکن را شکل دهد، اما در محدوده‌های کوچک‌تر. طراحی شهری از طریق طرح‌های جامع، آینده یا جایگزین‌هایی برای آینده را توصیف و پیش‌بینی می‌کند که اغلب نتیجه فرایندی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، انتظارات و ارزش‌های انسان‌ها را دربر می‌گیرد. معماری، تصاویر فضاهای پر و خالی را به مکان‌های واقعی برای افراد تبدیل می‌کند. نمایش ساختمانی در طرح جامع طراحی شهری از ارزیابی پیچیده سایت، قوانین برنامه‌ریزی شهری و انتظارات کارفرما در کنار نیازهای عمومی حاصل می‌شود که به جای اینکه خلأیت معماری را کاهش دهد، دورنمای معماری را ارتقا می‌بخشد.

در همین حال، طراحی شهری می‌تواند فرصت‌های ساختمانی جدیدی را برای معماران ایجاد کند. طراحی شهری با گسترش دامنه معماری که به طور سنتی بر روی سطح ساختمان متمرکز است، پیوندی را بین برنامه‌های



شهری و معماری به وجود می‌آورد و به‌عنوان شریکی برای هر دو عمل می‌کند. این روابط متقابل را می‌توان به برنامه‌ریزی و معماری منظر نیز گسترش داد. یک طرح شهری می‌تواند الزام به انجام طراحی شهری داشته باشد. تحقق طراحی شهری می‌تواند اجرای طرح را پیش ببرد. معماری منظر می‌تواند به تشریح روابط بین فرهنگ و طبیعت در طرحی کمک کند که ممکن است به‌عنوان بخشی از فرایند طراحی شهری یا به‌عنوان نتیجه آن مورد استفاده قرار گیرد.

### هدف این کتاب

در این کتاب ما به دنبال تعریف رشته طراحی شهری نیستیم، بلکه سعی داریم به ارائه فرایندی بین‌رشته‌ای پردازیم. هدف ما این نیست که توضیح دهیم چگونه یک منطقه خاص شهری یا فضای عمومی را طراحی کنیم، بلکه توصیف مراحل تبدیل این فضاها به مکان‌های جذاب و پایدار شهری است که برای ما اهمیت دارد. ما فرایندی را برای طراحی شهری به نام «فرایند نه تنها یک راه حل»<sup>۱</sup> پیشنهاد می‌کنیم.

### فرایند نه تنها یک راه حل

در بسیاری از موارد، فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری صریح نیستند، بلکه به صورت یک جریان اساسی یا یک نیروی نامرئی عمل می‌کنند که طراحی یا کار برنامه‌ریزی را از اولین آغاز تا مرحله آخر هدایت می‌کند. طراحان ماهر و باتجربه از روند طراحی ذهنی خود برای رفتن از A به Z استفاده می‌کنند، اما در بسیاری از موارد قادر به توصیف مسیری که طی کرده‌اند، نیستند. آن‌ها نمی‌توانند بگویند که آیا از B و C عبور کرده‌اند تا به D بروند یا اینکه با عبور از J و P به D رسیده‌اند.

در این کتاب ما فرایند نه تنها یک راه حل را ارائه می‌دهیم و مجدداً تصریح می‌کنیم که طراحی شهری، مانند سایر فعالیت‌های طراحی و برنامه‌ریزی، نه تنها پاسخ‌های مختلف و راه‌حل‌های متفاوت را برای یک مسئله خاص مجاز می‌داند، بلکه آن‌ها را می‌طلبد. فرایند طراحی نباید فقط برای تولید تنها یک خروجی سازمان‌دهی شود. یک فرایند از یک ساختار و یک استراتژی مسیر استفاده می‌کند تا به طراح کمک کند که به سمت هدف حرکت نماید، نه اینکه لزوماً پیش از موعد به آنجا برسد.

مراحل فرایند نه تنها یک راه حل در فصل‌های بعدی با جزئیات بیشتری شرح داده خواهند شد. هر یک از این مراحل، پیشرفت تفکر در زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی و طراحی را منعکس می‌کنند. فرایند نه تنها یک راه حل، اصولی، دقیقاً خطی و بسیار خوش‌بینانه است. به منظور سهولت توصیف و ساده‌سازی لازم، فرض بر عدم درگیری نسبی میان شرکا و سطح بالایی از صداقت و صلاحیت در میان هر یک از طرفین درگیر در فرایند و به کارگیری آن در موقعیت‌هایی با پیچیدگی «متوسط» است.

1. not-only-one-solution process

اگرچه فرایند توصیف شده خطی و اصولی است، اما هر کسی که درگیر فرایند تغییر شکل زمین در هر مقیاسی شده باشد، می‌تواند بیان کند که حتی یک برنامه دقیق و موردی که از قبل توسط طراحان همراه با مشتریان تهیه شده است، به ندرت به طور کامل دنبال می‌شود. فرایند نه تنها یک راه حل باید یک راهنما برای مدیریت یک پروژه طراحی شهری در نظر گرفته شود. چالش طراح این خواهد بود که فرایند را با شرایط، وظیفه و مأموریت خاص سازگار کند. فرایندهای طراحی شهری قطعاً یک عصای جادویی برای حل مسائل نیستند، اما راهنماهایی هستند که می‌خواهند نتایج را برای مردم در این قرن اول شهری بهبود بخشند.

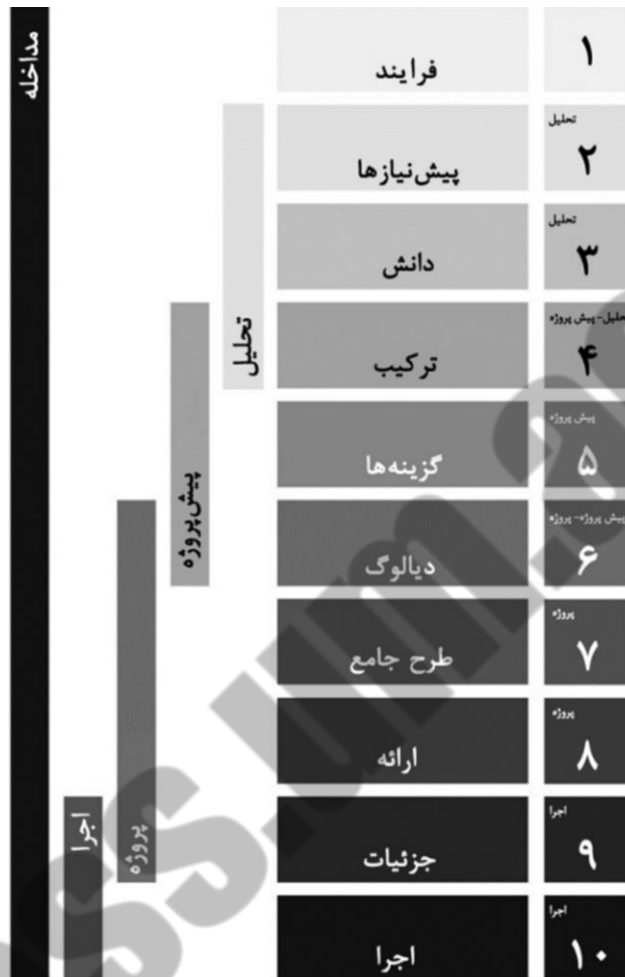
مخفف رویکرد ما، Noos، یک کلمه یونانی باستانی است (νοός) که به معنی عقل، ذهن، هوش و خرد و همچنین به معنای طرح و برنامه، قصد (روچی<sup>۱</sup>، 1968) تصمیم و هدف است که ذهن را به سمت چیزی جهت می‌دهد (لیدل<sup>۲</sup> و اسکات<sup>۳</sup>، 1940). داشتن دلیل در طراحی شهری به هدایت رویکرد طراح برای پاسخ گویی به پیچیدگی‌های پروژه کمک می‌کند. دلیل ما را ترغیب می‌کند که همه گام‌ها را برای دستیابی به یک راه حل ایدئال، به قولی افلاطونی یا به قول ارسطو دوران‌دیشانه<sup>۴</sup> یا کارکردی و به نفع همه بخش‌های جامعه برداریم. فرایند نه تنها یک راه حل شامل ده مرحله است که به صورت گرافیکی در یک طرح باز تولید شده است (شکل ۱-۷) و پایه‌های فصل‌های بعدی را تشکیل می‌دهد. این طرح شامل دو بخش است. یک ستون مرکزی با سایه‌های خاکستری که به تدریج از بالا به پایین تیره تر می‌شود. حرف اول هر مرحله نیز موجود است و در واقع خود یک راهنماست و مراحل مختلف را بهتر مشخص می‌کند. در سمت چپ طرح، پنج ستون با رنگ‌های درجه بندی شده وجود دارند که تفسیری از مراحل را در قالب مجموعه‌ای اقدامات ارائه می‌دهند: شامل تجزیه و تحلیل قبل از پروژه و هنگام اجرای پروژه و درگیر شدن که برخی از مراحل نه گانه را گرد هم می‌آورند یا حتی بین آن‌ها هم پوشانی ایجاد می‌کنند. از این پنج ستون، ستونی که در سمت چپ است، نقش درگیری جمعیت یا مشتری و یا هر دو را نشان می‌دهد که در کل روند نفوذ می‌کند.

### مرحله ۱- فرایندها

این انتظار از طراح وجود دارد که رویکرد و نحوه برخورد با پروژه را حتی قبل از دریافت حق کمیسیون مشخص کند. این مرحله نیازمند یک نقشه بازی برای پروژه است: اینکه چه مراحل و فعالیت‌هایی لازم است و چه چیزی به عنوان نتیجه تولید خواهد شد. فرآورده‌های این فرایند معمولاً «فایل‌های تحویل» نامیده می‌شوند. در برخی موارد نیز لازم است بعد از انجام اقدامات هر مرحله، آن‌ها را تحویل داد. از آنجا که هیچ راه حل نهایی وجود ندارد، هیچ فرایند واحدی نیز وجود ندارد. در نتیجه، طراح فرایندی را متناسب با شرایط آماده و سپس رویکرد را با هر مرحله تنظیم می‌کند.

1. Rocci  
2. Liddell

3. Scott  
4. phrnetic



شکل ۰-۷ فرایند نه‌تنها یک راه‌حل و مراحل آن (کلوچی و پالاتزو)

### مرحله ۲- پیش‌نیازها

معمولاً برای شروع یک پروژه یا برنامه، سه عنصر کارفرما، طراح و مأموریت موردنیاز است. کارفرما مأموریت را به طراح اعلام می‌کند. این مأموریت که معمولاً در یک قرارداد نوشته می‌شود یا به‌طور خلاصه مشخص می‌گردد، طراح را به انجام کاری در یک زمان خاص و با بودجه‌ای خاص رهنمون می‌کند. علاوه بر مأموریت، طراح باید بداند که کارفرما چه خواسته‌هایی را در ذهن دارد و شرایط محیطی را در نظر بگیرد. شرایط محیطی در واقع مؤلفه‌هایی از سایت، زمینه و خصوصیات واقعی و پویای آن‌ها هستند که می‌توانند توسعه یک پروژه را هدایت و یا محدود کنند. برای اشاره به این الزامات و فرضیات در این کتاب از کلمه پیش‌نیاز استفاده می‌شود. گاهی اوقات نیازهای کارفرما می‌تواند بسیار دقیق و سخت باشد؛ مواقع دیگر، بی‌قاعده و انعطاف‌پذیر. در

برخی موارد، کارفرما می‌تواند شرایطی را فراهم کند که همراه با استراتژی‌ها، چشم‌اندازها و ارزش‌ها، مدنظر قرار گیرند. الزامات پروژه می‌توانند توسط کارفرما خلاصه یا از طریق یک طرح، یک برنامه یا بیانیه‌ای از سیاست‌ها تعریف شوند. این فصل با هدف ارائه این موضوع است که چه کسی تعریف‌کننده پیش‌نیازهای یک پروژه طراحی شهری است، آن‌ها را از کجا پیدا می‌کند و چگونه این پیش‌نیازها را اصلاح می‌کند. همچنین راهنمای نحوه تهیه یک طرح سازمانی حاصل از یک فرایند طراحی خاص را ارائه می‌دهد.

### مرحله ۳- دانش

معمولاً کارفرما برخی از اطلاعات پیش‌زمینه در مورد محدوده مورد مطالعه را فراهم می‌کند. در رقابت‌ها و کارگاه‌ها، چنین اطلاعاتی در یک جلسه توجیهی گنجانده می‌شوند. معمولاً در واگذاری‌های مستقیم، تنها اطلاعات جزئی توسط مشتری تأمین می‌شود. این اطلاعات معمولاً باید تأیید، بهبود و تکمیل شوند تا به درک یا دانش جامع‌تری از منطقه مورد مطالعه برای پشتیبانی از مراحل بعدی طراحی منتهی گردند. در هر جامعه‌ای، «ایده‌های رقابتی درباره دانش» برای هر سایت وجود دارد. به رسمیت شناختن این واقعیت و قابل مشاهده ساختن ایده‌ها در ابتدا احتمال دستیابی به یک ترکیب متحول‌کننده را در مرحله بعدی افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، تعارض حداقل در مراحل ابتدایی یک فرایند طراحی خوب است.

غالباً کمیت، کیفیت و تنوع اطلاعات باید از طریق بررسی‌ها و تحلیل‌های اصلی افزایش یابد. طراحی ممکن است به انجام بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌های مستقل نیاز داشته باشد یا افراد تحت تأثیر پروژه طراحی شهری را برای جمع‌آوری داده‌ها و نظریات مشارکت دهد. آشنایی مستقیم با سایت، یک تجربه مهم برای طراحی محسوب می‌شود. اساسی‌ترین بخش این مرحله، بازدید از سایت است. هدف این فصل ارائه برخی از روش‌ها جهت تکمیل، جمع‌آوری و پردازش اطلاعات است تا طراحی شهری به دانش جمعی از منطقه مورد مطالعه دست یابد. اگرچه تفکر اکولوژیکی در کل فرایند نه تنها یک راه‌حل ارزشمند است، به‌ویژه در این مرحله و مرحله بعدی بسیار مهم است. اکولوژی شامل رابطه همه ارگانسیم‌ها، از جمله انسان‌ها با یکدیگر و با محیطشان است. در نتیجه، یک رویکرد اکولوژیکی می‌تواند به شما کمک کند که بدانید چه نوع اطلاعاتی جمع‌آوری و این اطلاعات چگونه درک می‌شوند. تجزیه و تحلیل اولیه اکولوژیکی سایت بخشی جدایی‌ناپذیر از روند طراحی شهری است. رشته تحصیلی که رابطه بین طراحی فضاهای ساخته‌شده و محیط آن‌ها را در نظر می‌گیرد، برنامه‌ریزی و طراحی اکولوژیکی نامیده می‌شود.

اصطلاح محیط<sup>۱</sup> به فضای پیرامونی ما اطلاق می‌شود، در حالی که اصطلاح اکولوژی شامل مطالعه رابطه متقابل موجودات با یکدیگر و با محیطزیست بیولوژیکی و فیزیکی شان است. وقتی برنامه‌ریزی یا طراحی را به این اصطلاحات اضافه می‌کنیم، این اصطلاح ترکیبی به توسعه گزینه‌های آینده برای محیط پیرامون ما، برای ارتباط متقابل بین فرایندهای بیولوژیکی و فیزیکی و برای تجلی بصری این روابط اشاره دارد. دوست لوئیس

1. Environment

مامفورد، بنتون مک کای<sup>۱</sup> (۱۹۴۰، ص. ۳۵۱)، حتی اظهار می کند که «برنامه ریزی منطقه ای همان اکولوژی است. آن، اکولوژی انسانی است؛ دغدغه آن، ارتباط ارگانیک انسانی با محیط اطرافش است.» برنامه ریزی اکولوژیکی ممکن است به عنوان استفاده از اطلاعات بیوفیزیکی و اجتماعی فرهنگی تعریف شود که به فرصت ها و محدودیت هایی برای تصمیم گیری در مورد استفاده از چشم انداز اشاره دارند (اشتاينر 2008) یا همان طور که ایان مک هارگ (۱۹۹۷، ۳۲۱) بیان کرد، این «رویکردی است که به واسطه آن یک منطقه به عنوان یک فرایند بیوفیزیکی و اجتماعی قابل درک از طریق عملکرد قوانین و زمان درک می شود. برداشت، مناسب ترین موقعیت ها و فرایندها را نشان می دهد.» آن ویستون اسپیرن (۱۹۹۸) چنین فرایندهای منطقه ای را «ساختار عمیق<sup>۲</sup>» و «زمینه عمیق<sup>۳</sup>» یک مکان می نامد. فراستر دویسی<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) برنامه ریزی اکولوژیکی را راهی برای هدایت یا مدیریت تغییرات در منظر می داند تا از طریق آن عملکردهای انسانی با فرایندهای طبیعی هماهنگ شود. برنامه ریزی اکولوژیکی فراتر از یک ابزار یا تکنیک است. آن، روشی است برای میانجیگری بین عملکردهای انسان و فرایندهای طبیعی بر پایه دانش روابط متقابل بین مردم و زمین (صص ۲ و ۵).

#### مرحله ۴- سنتز

پس از جمع آوری اطلاعات و تکمیل بررسی ها، دانش کسب شده باید به دو دلیل خلاصه شود: نخست اینکه طراح باید دقیق باشد. برای هدایت و شکل گیری پروژه نهایی، اطلاعات و تجزیه و تحلیل باید تاحد ممکن دقیق باشند. دوم، این ترکیب برای اطلاع رسانی و برقراری ارتباط با ذی نفعان و کارفرما مفید خواهد بود. در این فصل، پنج تکنیک ترکیب شامل تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها (سوات<sup>۵</sup>)، ایجاد نقشه فرصت ها و تهدیدها، مقاطع عرضی، اسکیس های سه بعدی و تجزیه و تحلیل سازگاری شرح داده می شوند. این پنج تکنیک این مزیت را دارند که انجام آنها نسبتاً آسان و مؤثر است. بخش های دیگر این فصل به تکنیک های درک بُعد فضایی سایت، نزدیک شدن به امر مهم طراحی و تشخیص کاربردهای مناسب اختصاص یافته است.

#### مرحله ۵- گزینه ها

این مرحله از فرایند به مشخص شدن اهداف و گزینه های پروژه توسط طراح اختصاص دارد. هنگامی که هدف طراحی توسط مشتری تعریف، روشن و خلاصه شد و اطلاعات جمع آوری گردید، بررسی ها به پایان رسیدند و داده ها جمع بندی شدند، طراح باید تصمیم بگیرد که کدام مسیر را انتخاب و کدام اهداف و استراتژی ها را دنبال کند. در این مرحله، طراح ترجیحات و اولویت ها را انتخاب می کند. طراح گزینه های مختلفی را ایجاد می کند تا یک اقدام ترجیحی را انتخاب کند. هدف این فصل ارائه ابزار مختلف تعیین هدف طراحی است؛ از تنظیم لیست اهدافی که به ترتیب اولویت بندی شده اند تا تعریف یک طرح مفهومی یا یک چشم انداز و پردازش و انتخاب از بین احتمالات طراحی.

1. Benton MacKaye  
2. deep structure  
3. deep context

4. Forster Ndubisi  
5. SWOT

### مرحله ۶- دیالوگ

بحث و تقابل ایده‌ها، راه‌حل‌ها و راه‌های پیشرفت طراحی با کارفرما و سایر ذی‌نفعان، نقطه کانونی هر فرایند طراحی شهری است. دیالوگ در یک فرایند طراحی شهری، فرصت‌های ارتباط بین طراحی و کارفرما و مردمی که مستقیم و یا حتی غیرمستقیم در تغییر ایجاد شده توسط طراحی دخیل هستند را مشخص می‌کند. بسته به مرحله فرایند که در حال انجام است، افراد درگیر پروژه و اهداف مشارکت، انواع مختلفی از مشارکت در پروژه‌ها شکل می‌گیرند. این فصل نقش مشارکت در یک فرایند طراحی شهری را نشان می‌دهد و اثربخشی آن را بررسی می‌کند. تکنیک‌های منتخب مورد استفاده در فرایندهای طراحی و برنامه‌ریزی شرح داده خواهند شد.

### مرحله ۷- طرح جامع

شکل و پیکربندی نهایی یک پروژه طراحی شهری در قالب یک طرح جامع ارائه می‌شود. طرح جامع، تغییرات پیشنهادی برای یک سایت مشخص را توصیف می‌کند. این یک طرح فیزیکی است که از طریق نوشتار و گرافیک، مفهوم کلی توسعه در محدوده مورد مداخله را نشان می‌دهد و در قالب نقشه مشخص می‌کند. هدف این فصل توصیف مطالبی است که در یک طرح جامع معمول می‌آید و معرف مسائل بالقوه‌ای است که یک طرح جامع می‌تواند در نظر بگیرد و به آن‌ها پاسخ دهد.

### مرحله ۸- ارائه

پس از تکمیل طرح جامع طراحی شهری، نتایج طراحی باید به کارفرما و احتمالاً به عموم مردم ارائه شود. یک پروژه خوب می‌تواند با ارائه بد آسیب ببیند. ابزار ارائه با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص تلاش صورت گرفته، متفاوت است. گزارش طرح جامع ممکن است از توضیح در قالب پخش اسلاید تا ارائه در قالب یک پوستر متفاوت باشد. در این فصل استفاده از تصاویر، رندها، مدل‌های فیزیکی و طرح‌های دستی ترسیم شده برای نشان دادن نتایج پیشنهادی طراحی شهری مورد بحث قرار خواهند گرفت.

### مرحله ۹- جزئیات

پس از تکمیل طرح جامع و دریافت تأیید کارفرما و یا مخاطبان، اغلب لازم است از برخی اجزای طراحی به تفصیل شرح داده شود. این موارد ممکن است مربوط به جابه‌جایی، مناطق سبز و فضای باز، فضاهای عمومی، ساختمان‌ها و مبلمان خیابان یا علاوه بر آن، عناوینی مانند ارزیابی اقتصادی، جمع‌آوری سرمایه و مشارکت را شامل شوند. برخی از این جزئیات ممکن است در رهنمودهای طراحی یا سایر مطالعات مفصل دیگر انجام شوند تا راه را برای اجرای طرح جامع هموار کنند. این فصل با استفاده از مثال‌های مختلف نشان می‌دهد که چگونه می‌توان دستورالعمل‌های طراحی را تهیه کرد و همچنین مطالعاتی را برای ارزیابی طرح جامع، قبل از اجرای آن انجام داد.

## مرحله ۱۰- اجرا

طرح جامع را می‌توان به قوانین دقیقی تبدیل کرد که فواصل، ارتفاعات، محدودیت‌ها و قوانین فضایی را مشخص می‌کند تا به معماران، معماران منظر، برنامه‌ریزان و مهندسان منتقل شود، همان‌طور که در طرح‌های استفاده از زمین و اشکال ساختمانی هم این اتفاق می‌افتد. هنگامی که طرح جامع تکمیل، ارائه و به‌طور مفصل شرح داده می‌شود، بیشتر اوقات باید توسط یک نهاد اداری یا یک مرجع برنامه‌ریزی تصویب شود. پس از آن، پروژه طراحی شهری برای اجرا آماده است تا اهداف و سیاست‌های تعیین شده در فرایند طرح تحقق یابد. در این فصل برخی از ابزارها و تکنیک‌های مورد استفاده برای اجرای پروژه را ارائه می‌کنیم.

### یادداشت‌های نویسندگان

برای راحتی بیشتر، در این کتاب برخی مفاهیم را با هم تدقیق می‌کنیم. به‌عنوان مثال، نویسنده پروژه طراحی شهری را طراح می‌نامیم. اصطلاح طراحی را می‌توان به‌عنوان یک تیم از طراحان (یک گروه چندرشته‌ای مسئول یا درگیر یک فرایند طراحی) تعریف کرد یا چندین طراح که به‌صورت جداگانه در مکان و زمان کار می‌کنند. طراح ممکن است یک معمار، یک معمار منظر، یک برنامه‌ریز یا یک فرد یا افرادی باشد که مسئولیت یک پروژه طراحی شهری را برعهده دارند. اصطلاح کارفرما می‌تواند به‌معنای فرد یا افرادی که یک پروژه طراحی شهری را سفارش می‌دهند، به کار رود. کارفرما می‌تواند یک ارگان دولتی (یک شهر، یک ارگان خدمات عمومی یا یک سازمان عمومی) یا یک نهاد خصوصی (یک توسعه‌دهنده، یک شرکت املاک و مستغلات، یک گروه از سرمایه‌گذاران، مالک زمین) و یا ترکیبی از سازمان‌های دولتی و خصوصی (در راستای برنامه کمک مالی بلوک‌های توسعه اجتماعی که توسط وزارت مسکن و توسعه شهری ایالات متحده و یا شرکت ایتالیایی تحویل شهری<sup>۱</sup> انجام شد) یا یک جامعه، یک انجمن موقت یا یک گروه سازمان‌یافته از شهروندان باشد. کارفرما همچنین می‌تواند ترکیبی از همه این گروه‌ها باشد. شرح خدمات، مأموریت یا وظیفه‌ای است که توسط مشتری به طراح داده می‌شود. محدوده مورد مطالعه یا سایت، مکانی است که در آن طراحی شهری رخ می‌دهد. یک محدوده مورد مطالعه (سایت) ممکن است در مقیاسی از کل یک شهر تا یک منطقه بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از شهر، متغیر باشد.

ما تفاوت بین طراحی شهری آمریکای شمالی و اروپا را به‌ویژه در نحوه آموزش تصدیق می‌کنیم (پالاتزو، ۲۰۱۱). به‌طور کلی، آموزش طراحی شهری در دانشگاه‌های انگلستان و آمریکا نسبت به جاهای دیگر پیشرفته‌تر است. بسیاری از پروژه‌های طراحی شهری توسط شرکت‌های بزرگ چندرشته‌ای و چندملیتی با سابقه در ایالات متحده انجام می‌شوند، مانند آتکام<sup>۲</sup>، WRT، SWA، Sasaki و SOM و همچنین در کانادا شرکت‌هایی مانند IBI و به‌طور فزاینده‌ای در چین، جایی که شرکت‌های دانشگاهی بسیاری وجود دارند. مشکلات شهری معاصر مستلزم این است که طراحان شهری خودشان را به شیوه‌ای متفاوت نسبت به گذشته آماده کنند (سازمان

1. Società di Trasformazione Urbana  
2. (سابق) (AECOM) EDAA

ملل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴؛ رودیک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). آموزش طراحی شهری می‌تواند وسیله‌ای برای آماده‌سازی متخصصانی باشد که طراحی شهری را نه به‌عنوان «عملی برای زیباسازی فضاهای عمومی»، بلکه به‌عنوان فعالیتی برای «تغییر شکل فضاهای شهری متناسب با تحوّل کلی شهرها» و مطابقت با شرایط «جدید شهری» (مدنی‌پور، ۲۰۰۶، صص. ۱۷۴ و ۱۹۱) و مشارکت در تولید و زایش فرم شهری به‌عنوان فضای اجتماعی می‌دانند (کاتبرث ۲۰۰۷). طراحی شهری باید آمادگی ایجاد شهرهای پایدارتر و حتی قابل‌بازآفرینی را داشته باشند (گر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹) (ر.ک. پیوست). طراحی شهری که استعداد بیان و تلفیق خلاقیت و دانش علمی و توانایی مدیریت فرایندها را دارند، باید در شناخت ویژگی‌های بوم‌شناختی و فرهنگی سایت بهتر عمل کنند، راه‌حل‌های عمومی و مفاهیمی که در جاهای دیگر به‌اشتباه رایج بوده‌اند را فراموش نمایند و میان دانش فنی و بیان خلاق تعادل ایجاد کنند.

یکی از بحث‌های قدیمی از زمان افلاطون و ارسطو تا هایدگر این است که تمایزی بین تکنیک<sup>۴</sup> و تولید هنر<sup>۵</sup> وجود دارد. تکنیک بعد مکاشفه‌آمیز و دانش محور در مورد جهان است، درحالی‌که هنر بعد خلاقانه و یک ارائه نمادین از جهان است (کرنر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲، ص. ۲۰). برای مقابله با مشکلات شهری، باید تدوینی درخصوص تکنیک و هنر در حرفه طراحی شهری و تدریس آن صورت گیرد تا درک بهتری از مکان، نیازهای اجتماعی و نقش‌های جامعه و برخورد با تصمیم‌گیرندگان به‌دست آید. می‌توان این کار را از طریق تقویت آموزش فرایندها و روش‌های مواجهه با موضوعات و سایت‌ها انجام داد<sup>۷</sup>. روش دیگر، تأیید نقش استودیو (کارگاه طراحی) به‌عنوان مکانی است که در آن محصول نهایی با بعد زیبایی‌شناسی‌اش از طریق ایجاد یک تبادل دیالکتیکی فراهم می‌شود. تعادل ایدئال بین تکنیک و خلاقیت نیز مرتبط با رویه‌ای<sup>۸</sup> است که طراحی شهری در آن مهارت‌ها و دانش خود را در مکان مختلف و درون فرهنگ‌های مختلف اعمال می‌کنند. در واقع هدف، تقویت نقش طراحی شهری به‌عنوان یک واسطه صادق و مروج فرایندهای طراحی و یک عامل فعال خلاقیت اجتماعی برای ایجاد عرصه عمومی است. برای تحقق این هدف، ما از طریق این کتاب، فرایند طراحی خاصی را پیشنهاد کنیم. فرایند طراحی شهری که در فصول بعدی شرح داده خواهد شد، خطی و نتیجه‌گراست، یعنی هر مرحله روی مرحله قبلی بنا می‌شود و بر مرحله بعدی تأثیر می‌گذارد. این روش ارائه مراحل با الزامات توصیفی و سازمانی مطابقت دارد، اما لزوماً با آنچه واقعاً در یک فرایند طراحی اتفاق می‌افتد، منطبق نیست. بسیاری از مراحل توصیف شده در صفحات بعدی می‌توانند در عمل با هم ادغام شوند. «به‌طور کلی، [مراحل یک فرایند طراحی] بر یک ترتیب منطقی ثابت نیستند. طراحی یک فرایند خطی با یک کار خاص نیست که به تنها یک راه‌حل منجر شود.» (لوپان<sup>۹</sup> و همکاران، ۱۹۹۷، ص. ۱۳). می‌توان آن را با موسیقی، به‌ویژه جاز، مقایسه کرد که در آن نوازنده با یک ریتم مشخص شروع می‌کند، اما از جایی به بعد آن را با سایر سازهای دخیل در اجرا تطبیق می‌دهد و احتمالاً به بداهه‌نوازی قابل توجهی نیاز دارد.

1. United Nations

2. Rodiek

3. Gore

4. Techne (اشاره به ساحت سوم انسان یعنی ابداع، از نظر ارسطو)

5. poiesis

6. Corner

7. Roberts and Greed, 2003; Moughtin et al, 2001; Lang, 2005; Steiner and Butler, 2007; Palazzo, 2011

8. praxis

9. Leupen